

مانگ هه لات

مهوش سلیمان پور

مانگ هه لات

نخستین مجموعه‌ی فراشعر کردی در مکتب اصالت کلمه

مهوش سلیمان پور

م.سوزان



انتشارات مهر و دل

سرشناسه	سلیمان پور، مهوش، ۱۳۵۴ -	
عنوان و نام پدیدآور	مانگ هه‌لات: نخستین مجموعه‌ی فراشعر کردی در مکتب اصالت کلمه / مهوش سلیمان پور (م.سوزان).	
مشخصات نشر	تهران: مهر و دل، ۱۳۹۸.	
مشخصات ظاهری	۱۹۰ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.	
شابک	978-622-961986-5	
وضعیت فهرست نویسی	فیبا	
یادداشت	کردی.	
موضوع	شعر کردی -- قرن ۱۴	
موضوع	Kurdish poetry -- 20th century	
رده بندی کنگره	PIR۳۲۵۶	
رده بندی دپویی	۲۱/۸۶۹	
شماره کتابشناسی ملی	۶۰۷۰۲۴۵	
	نام: مانگ هه‌لات	
	سراینده: مهوش سلیمان پور (م.سوزان)	
انتشارات مهر و دل	چاپ یکم	اسفند ماه ۱۳۹۸
شناسه: ۰۱۰۰۲۷	شمارگان: ۵۰۰ نسخه	شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۱۹۸-۶-۵
	چاپخانه: هدی	 <p>ISBN:978-622-961986-5 9 786229 619865</p>
	صحافی: ترنج	
مترجمان: صادق جلیلیان میثم رجبی		طراح جلد: شیرین جلالی
		ویراستار و صفحه‌آرا: هنگامه اهورا

ئى مەجموئە پيشكەش وە خاك پايى دالگم كە مېرەبانى لە وەرزهيل گيانم
ئاويارى كرد

و ئەرا هوورمەت فەداكارىيەيل باوگم كە گەوراترين شىعر و غيرەت بو
و ئەرا هاوپى ژيانم كە لە گيژ و گەرداوهيل ئى دونياى ناسازگارە وە سەر
بەرزى ساز هاورد

و ئەرا منالەگانم ئەلپەزا و موحمەد مەهدى كە دوو بال ھەلفرېنمن
و ئەراى خوەيشكم موژگان

و ئەراى ئمپراتوور وە شەيل جەھان ئوستاد ئارەش ئازەرىپەيك
و ئوستاد ئاريو ھەمتى

سپاس فرە ئەرا شانازى ئىل كە لھور، ماموساى ريزدار ئەلى پەشىدى كە ئەگەر
مېرەبانىيەيل ئەو نەقاتيا ئى تىنۆسە وەى زق پيشكەش هاوپىيەيل نىەقاد.
و ئەرا تو ك شىعرەگانم خوەنى...

ماوہش سوليمانپوور «م. سووزان»

ئی مجموعہ پیشکش و خاک پای دالگم کہ وہ میربانی باخ گیانم آویاری کرد
و ارا حرمت فداکاریل باوگم کہ گورترین شعر و غیرت بو

و ارا هاوری ژیانم کہ له گیژ و گرداویل ئی دنیای ناسازگارہ و سر برزی ساز
هاورد و ئرا منالگانم علیرضا و محمد مهدی کہ دو بال ہلفرینمن

و ارای خویشکم مژگان

و ارای امپراتور شعر جهان استاد آرش آذرپیک

و استاد آریو ہمتی

سپاس فرہ ارا سر برزی ایل کلہر آقای ریزدار علی رشیدی کہ اگر میربانیل او
نیاتا ئی دفترہ وی زو پیشکش هاوریل نیواد.

و ازا تو ک شعرگانم خونہ...

ماوہ ش سلیمانپور (م. سوزان)

«رستاخیز فراشعرهای کردی»

مکتب فلسفی_ ادبی اصالت کلمه (عریانیسم) حدود دو دهه است که توسط امپراتور واژه‌های جهان، عالیجناب آرش آذرپیک پایه‌گذاری شده و اعلام حضور و ظهور کرده و تا کنون بیش از صد رساله‌ی دکترا و پایان‌نامه‌ی ارشد در شاخه‌های گوناگون علوم انسانی بر مبنای تئوری اصالت کلمه و مؤلفه‌های مطرح در آن نگاشته شده است. جنبش عریانیسم در راستای جنبش نرم‌افزاری، کرسی‌های نظریه‌پردازی و اسلامی_ ایرانی کردن علوم انسانی شکل گرفته و جدی‌ترین منتقد جهانی فلسفه‌ی اوماننیسم است. از آن رو که «مانگ هلات» کتابی صرفاً ادبی است در این مجال و مقال کوتاه به طور اجمالی تنها نیم‌نگاهی می‌افکنم به ادبیات اصالت کلمه یعنی ادبیات کلمه‌گرا. عریانیسم پایانی بر دوره‌ی پست‌مدرنیسم است و با ظهور آن به طور کلی می‌توان تاریخ ادبیات را به دو دوره‌ی پیشاعریانیستی و پساعریانیستی تقسیم کرد. در برابر اصالت کلمه اصالت شعر و داستان وجود دارد یعنی تمام مکاتب و سبک‌های ادبی جهان که اصالت را به شعر و داستان می‌دهند و بدون استثنا همه‌ی مکاتب و سبک‌های ادبی پیشاعریانیستی را در بر می‌گیرند کلمه را وسیله و ابزاری دانسته‌اند برای ساختن بنای باشکوه الهه‌های شعر و داستان و بندهای درخدمت آن‌ها و شعر و داستان را دارای وجودی قائم به ذات پنداشته‌اند؛ حال آن که از دیدگاه مکتب ادبی اصالت کلمه، واژه ابعاد و پتانسیل‌های فراوانی دارد که هر یک از مکاتب یا سبک‌های ادبی یک یا چند ساحت از آن را کشف کرده و بقیه‌ی ابعاد را نفی و انکار کرده‌اند مانند روماننیسم که اصالت را به تخیل و احساس داده و مثلاً

خردگرایی را که شالوده‌ی مکتب پیش از خود یعنی کلاسیسیسم بود نفی و انکار می‌کند و رئالیسم که اصالت را به واقع‌گرایی می‌دهد تخیل و احساس را که دستاورد و اساس مکتب رومانتیسم است نادیده گرفته و آن را باطل می‌داند و همین را تعمیم بدهید به تمام سبک‌ها و مکاتب ادبی جهان از آغاز تاریخ ادبیات تا اکنون و بدین گونه تمامی آنان که بدون استثنا زیر پرچم مکتب اصالت شعر و داستان قرار گرفته‌اند از سویی اصالت را به شعر و داستان داده و کلمه را در خدمت آن‌ها و ابزاری برای ساختنشان یعنی شعر و داستان را هدف و کلمه را وسیله دانسته‌اند و از دیگر سو از ساحت یا ساحت‌هایی از کلمه که کشف کرده‌اند چارچوبه ساخته و دیدگاه و دنیای ادبی خود را به همان اندازه کوچک کرده و کشف خود را تمامیت و حقیقت ادبیات پنداشته و به انکار و مبارزه با دیگر ابعاد و پتانسیل‌های کلمه برخاسته‌اند؛ اما جناب استاد آرش آذریک _بنیان‌گذار و تئوریسین عریانیسم_ برای نخستین بار در تاریخ ادبیات جهان، کلمه را مادر شعر و داستان و دیگر ژانرهای ناگفته و نهفته در ادبیات و شعر و داستان را وسیله‌ای برای رسیدن به کلمه دانسته و اعلام کرده‌اند. از دیدگاه ایشان در ادبیات تنها کلمه است که وجودی قائم به ذات دارد بنابراین کلمه هدف و شعر و داستان وسیله‌هایی در خدمت آنند. یک عریانیست به جای چارچوبه‌سازی از یافته‌ی خود و نفی و انکار دیگر ابعاد و پتانسیل‌های کلمه که توسط دیگر مکاتب و سبک‌ها کشف شده با احترام به آنان و استفاده از تمامی پتانسیل‌های کلمه از شریعت ادبی و جنسیت ادبی خویش فراروی می‌کند اما چارچوبه‌ی شریعت‌ساز مکاتب را قبول ندارد بلکه کشفی را که آنان در دنیای کلمه انجام داده‌اند قبول دارد.

هر مکتبی در دنیا یا شناخت‌شناسی یعنی هدفش شناخت و نقد فلسفه‌ها و تئوری‌های پیشین است یا ایدئولوژی‌گرا. مکتب اصالت کلمه یک مکتب شناخت‌شناسی و هدفش شناخت مکاتب ادبی، فلسفی و... و در کل شناخت پتانسیل‌های کلمه است مثلاً در ادبیات شعارش بازگشت آوانگارد به اصالت‌های فرارو می‌باشد. اصالت‌های فرارو همان سنت‌هایی هستند که متعالی‌اند اما مورد اجحاف قرار گرفته‌اند. از این نظر مکتب اصالت کلمه بر دو محور استوار است:

اول) هدف قرار دادن کلمه

دوم) وسیله قرار دادن کلمه

مکتب اصالت کلمه «کلمه» را هدف ادبیات می‌داند، اما چرا؟

زیرا معتقد است که تمام پتانسیل‌های ادبی، هنری و زیبایی‌شناسی از دل کلمه و از جوهره‌های کلمه نشأت گرفته‌اند مانند شعر و داستان.

شعر و داستان از نگاه ما هدف ادبیات نیستند، بلکه پتانسیل‌هایی از کلمه‌اند که به واسطه تبدیل شده‌اند یعنی شعر و داستان ابزار و وسیله‌اند تا پتانسیل‌های کلمه را متجلی سازند اما هدف بودن کلمه نباید مانع از این امر شود که ما از جنبه‌های وسیلگی کلمه چشم ببوشیم. کلمه یک وسیله برای ایجاد ارتباط است و در محاوراتمان از این ابزار استفاده می‌کنیم.

کلمه از نگاه مکتب اصالت کلمه دالی که بر مدلولی دلالت کند نیست هر چند این تعریف را قبول داریم بلکه از نگرگاه ما کلمه کلی است فراتر از هم‌افزایی

ساحت‌های جوهری؛ اما مکتب اصالت کلمه برای آشنایی بیشتر و اصولاً شناخت هر امری چندین مؤلفه ارائه می‌کند:

اول) ارتباط بی‌واسطه با همه چیز که ریشه‌ی ارتباط بی‌واسطه در فلسفه است

دوم) فراروی از چارچوبه‌های بسته

سوم) حقیقت عمیق که نقد پست‌مدرنیست‌ها و کلاسیست‌های مطلق‌گراست

چهارم) جنس سوم که نقد مردسالارها و فیمینیست‌هاست

پنجم) اصالت وجود عربانیستی که نقدی بر تعریف وجود از نظر گذشتگان و

باز هم ریشه در فلسفه دارد

ششم) ادبیات حقیقت‌گراست

هفتم) اصل مراقبه‌ی شناور

هشتم) اصل دیالکتیک ادراکی

نهم) اصل مؤلفه‌های ثانویه

• ارتباط بی‌واسطه با شعر

همان‌طور که بارها گفته شده تمام مکاتب، سبک‌ها و نحله‌های ادبی، حتی شعر و داستان وسیله و ابزار هستند و ممکن است برای نگارش به هدف واسطه

تبدیل شوند. هر چند در طول تاریخ هر کدام از این مکاتب و نحله‌ها تبدیل به واسطه‌ای برای نگارش شده‌اند اما ارتباط بی‌واسطه در مکتب اصالت کلمه ارتباطی بی‌وسیله نیست چون اغلب در تفکر فلاسفه‌ای که در مورد ارتباط بی‌واسطه بحث کرده‌اند صحبتی از وسیله نیست و همواره آخرین تعیین تفکر و یا آخرین حسی را که بر قوه‌ی احساس می‌نشیند ارتباط بی‌واسطه می‌دانستند و در فلسفه‌ی اسلامی هم علم حضوری و حصولی مطرح شد.

علم حضوری به گونه‌ای نوعی ارتباط بی‌واسطه است که شخص بی‌هیچ واسطه‌ای درکی از پدیده‌ای خواهد داشت.

در مکتب اصالت کلمه ارتباط بی‌واسطه بی‌وسیله نیست. این جمله یعنی چه؟ یعنی برای ارتباط برقرار کردن با یک پدیده باید از وسایل و لوازم مناسب استفاده کرد. ما می‌خواهیم با شعر ارتباط بی‌واسطه برقرار کنیم. خود شعر یک کلیدواژه است که برای ارتباط بی‌واسطه با آن باید به کلیدواژه‌های کوچک‌تر شکسته شود.

شعر = عناصر شعری مانند وزن، موسیقی، تصویر... و انواع مکاتب و سبک‌های شعری و...

و برای ارتباط بی‌واسطه با شعر از این لوازم و کلیدواژه‌های خردشده استفاده می‌کنیم تا خود شعر را بشناسیم. وقتی ما مکتب ایماژیسم را مورد مطالعه و تحقیق قرار داده و فلسفه‌ی ایماژیسم را مطالعه و ریشه‌یابی و عناصر ایماژیستی را شناسایی می‌کنیم در واقع با یک بعد از کلمه ارتباط بی‌واسطه برقرار کرده‌ایم و با شعر تصویری یا ایماژیستی ارتباط بی‌واسطه داشته‌ایم یعنی ما از عناصر و

اجزای شعر به عنوان وسیله‌ای برای شناخت و ارتباط بی‌واسطه با شعر استفاده می‌کنیم، در مورد سایر عناصر و نحله‌های شعری هم همین‌طور.

در پایان بسی خوشنودم و به خود می‌بالم که عریانیسم دریچه‌ای شد تا اولین کتاب کردی خویش را با نام «مانگ هه‌لات» به ساحت والای کلمه پیشکش کنم. این کتاب که مجموعه‌ی فراشعرهای کردی‌ست در این دریچه خوش‌تر می‌درخشد. بی‌گمان به یمن عریانیسم نه تنها ادبیات امروز ایران بلکه حتی زبان مادری‌ام _ کردی کلهری _ نیز قابلیت جهانی شدن دارد و با ورود به دنیای بی‌پایان کلمه‌محوری جانی دیگر می‌گیرد.

مهوش سلیمان‌پور _ مکتب اصالت کلمه (عریانیسم)

«هه‌لسمان (= رستاخیز) ئاسووچامه‌گان (= فراشعرهای) کوردی»

مه‌کته‌ب فه‌لسه‌فی_ئه‌ده‌بی په‌سه‌نایه‌تی وشه(ئوریانیسم) هه‌لایه بیس سآله وه‌ده‌س ئمپراتووور وشه‌یل دونیا، گه‌ورا ماموسا_ئاره‌ش نازه‌رپه‌یک_بنه‌واڤی نریاس و جارڤی کیشاس و هاته‌سه‌دی و تا ئیرنگه‌ فره‌تر وه‌ سه‌د پسا‌له‌ دگدرا و برونامه‌ی ئه‌رشه‌د له‌ شاخه‌یل جوور وه‌جوور ئلووم ئنسانی وه‌بان تئوری په‌سه‌نایه‌تی وشه و سه‌ر تیتیر دیاری له‌ ناوڤی نو‌سریاس. جمشت ئوریانیسم وه‌ شیوه‌ی نه‌رم‌ئه‌فزاری سه‌نده‌لیه‌یل بیرو نه‌زه‌ره‌یل ئسلامی_ئیرانی کردن ئلوم ئنسانی دروس بییه و جدیتیرین رخنه‌گر جیّهانی فه‌لسه‌فه‌ی ئومانیسمه. وه‌ی خاتره «مانگ هه‌لات» په‌رتووکیگه‌ فه‌قه‌ت ئه‌ده‌بی له‌ی ده‌رفه‌ت و گفنگو کو‌له‌ وه‌ جوور گشتی ته‌نیا نیمچه‌ ته‌ماشای خه‌یمه ئه‌ده‌بیات په‌سه‌نایه‌تی یانی ئه‌ده‌بیات وشه‌گه‌را. ئوریانیسم بن بر هاتن سه‌رده‌م پووست مو‌درنیسمه و وه‌گه‌رد وه‌دی هاتن ئه‌و وه‌ شیوه‌ی گشتی تو‌هنیم میژوو ئه‌ده‌بیات بکه‌یمه دوو سه‌رده‌م، پیش‌ئوریانیستی و پاش‌ئوریانیستی. له‌ وه‌رای وه‌ر په‌سه‌نایه‌تی وشه په‌سه‌نایه‌تی شیعر و چیرووکیش هه‌س یانی ته‌مام مه‌کته‌یه‌یل و شیوازه‌یل ئه‌ده‌بی جیّهان که‌ په‌سه‌نایه‌تی ده‌نه شیعر و چیرووک وه‌بی جیاوازی گشت مه‌کته‌به‌یل و شیوازه‌یل ئه‌ده‌بی پیش‌ئوریانستی گرنه وه‌ر وشه ئه‌را ئه‌مراز و ئه‌بزاری زانسته‌ ئه‌رای سازین مالّ شکوه‌دار وه‌فه‌رڤی ئلاهه‌یل شیعر و چیرووک و به‌نه‌یی وه‌خزمه‌ت ئه‌وانه و شیعر و چیرووک داشتن و جوودی وسیا وه‌ ذات (= جوودی قائم به‌ ذات) زانسته‌، ئیرنگه‌ وه‌ نوورین مه‌کته‌ب ئه‌ده‌بی په‌سه‌نایه‌تی وشه، وشه سوکان (= ابعاد) و پتانسیله‌یل فره‌یگ دیرڤی که‌ هه‌ر کام وه‌مه‌کته‌به‌یل یا شیوازه‌یل ئه‌ده‌بی یک یا چه‌ن ساحه‌ت وه‌ ئه‌وه‌ دینه‌سا و سوکان تره‌ک فه‌بوول نکردن و حاشا وه‌لییان کردنه چۆ رووماتیسم که‌ په‌سه‌نایه‌تی داسه‌ هه‌ست و خییال و مسله‌ن زانسته‌ گه‌رای که‌ ئه‌سل مه‌کته‌ب

وەرجهی خوئی یانی کلاسیسیسم بی قهبول نکریا و حاشا که ید و پرتالیسم که
 پهسه نایه تی ده یده پراسی گه رای خییال و ههست که دهسکهفت و نهساس
 مه کته ب رووماتیسمه له وەرچه و نیه گرن و له دهسچی زانن و هه یه تعمیم
 به یید و ته مام شیوازیل و مه کته به یل نه ده بی جیهان و دهس پی کردن میژوو
 نه ده بیات تا ئیرنگه و هيجووره ته مام نه وانهی که وه بی جیایی وه ژیر نالای
 مه کته ب پهسه نایه تی شیعر و چیرووک قه رار گردنه و له لایگا پهسه نایه تی وه
 شیعر و چیرووک دانه و وشه له خزمهت نه وانه و نه مرازی نه را سازینیان یانی
 شیعر و چیرووک نامانج و وشه نه مراز زانستنه و له لایترهک وه ساحهت یا
 ساحه ته یلی وه وشه دینه سا چوارچووهی دروس گردنه و په وانگه و دونیای
 نه ده بی خوئی وه نه و نه نازه بۆچگ کردییه و نه وه گ دییه سا وه ته مامیهت
 حه قیقهت نه ده بیات زانستییه و حاشا و چالاککی وه گهره د نه و دای په هه نده یل
 و پتانسیله یل وشه هیزگردنه، به لام جه ناب ماموسا ئارهش ئازه ره په یک
 به نه وانهر و تئورسیه ن ئوربانسیسم نه را یه کم جار و هنا و میژوو و نه ده بیات
 جیهان، وشه دالگ شیعر و چیرووک و قالب شیعی نه وه ته نی و نادیار و هنا
 نه ده بیات و شیعر و چیرووک نه مرازی نه پای ره سین وه وشه ی زانستی جار
 کیشانه. وه روانگه ی نه و هنا و نه ده بیات ته نیا وشه س که وجودی و سیا وه
 ذاته هه له یجووره وشه نامانج و شیعر و چیرووک نه مرازه یلی هانه خزمهت
 نه و. یه ی ئوربانسیست و ه جای چوارچووسازی وه په یدا کردن خودد قه ببول نکریا
 و حاشای سوکان ترهک و پتانسیله یل وشه که وه ده سی مه کته به یل ترهک و
 شیوازیل په یدا بۆ وهر پیزگردن وه نه وان و که لک گردن وه ته مامی پتانسیه یل
 وشه وه شه ریعت نه ده بی و په گهز نه ده بی خوئی ئاسووچییان (= قَراروی)
 که ید نه مانئ چوارچووهی شه ریعت ساز مه کته به یل حه تائی نییه به لکه نه وه گ
 دینه سا نه وان و هنا و دونیای وشه نه نجام دانه حه تایانه.

ههر مه کته بی و هنا و دنیا، یا ناسین ناسی یانی نامانجی بیه ناسین و پرخنه بی
 فه لسه فه یل و تیوریه یل وهر له خوئی یا ئیدیۆلوژی خواز. مه کته بی

پهسه نایه تیڼ وشه، یه ی مه کتبه ناسین ناسیه و ئامانجه گهڼی، ناسین مه کتبه یل ئه ده بی و فله سه فی و... وه گشتی ناسین ته وائیه یل وشه س. ئه پرا نموونه له بووار ئه ده بیات، دروشم گه پانه وه ی ئاوانگارد ئه پرا پهسه نایه تی یل ئاسوچن هه لگردیان. پهسه نایه تی یل ئاسوچن (= فرارو، فرارونده) هه ئی سونه ته یله نه ک باون به لآم زولم وه لیان چیه. وه ی خاتره مه کتبه پهسه نایه تیڼ وشه، دوو جه مسه ری سهره کی دیری ک ئه وه ل ئامانج گردن وشه س، دوویم وه ئامراز گردنی وشه وه ناو ئه ده بیاته. مه کتبه پهسه نایه تیڼ وشه، «وشه» که یده ئامانجی ئه ده بیات، ئه پرا؟ چوڼ باوهر دیری که ته مام ته وائیه یل ئه ده بی و هونه ری و په نگین ناسی وه دل وشه و جه وه ره یه یل وشه سه رچاوه گردیه، هه چو شیعر و چیرۆک. له نوورین ئیمه وه، شیعر و چیرۆک ئامانجی ئه ده بیات نیین، به لکه پوتانسیه یل یگن و بینه سه ناو جیکه ر. یانی شیعر و چیرۆک ئامرازن، ده رفه ته یل یگن تا ته وائیه یل وشه بخه نه رۆ ئه مانئ ئامانج بوڼ وشه نه بایه س وه ره سه ی وه ی شیوه بوو ک ئیمه وه لایه نه یل ئامرازا بوڼی وشه چه وپووشی بکه یم. وشه ئه پرا دروست کردن پیوه ندی یه ی ئامرازه و وه ته ویژه یلمان، ئی ئامرازه یله وه کار به یم.

وشه وه له پوانگه یی مه کتبه پهسه نایه تیڼ وشه دالئ ک وه مه دلوه لی ده لآله ت بکه ید نیه، هه رسه ی ئی تاریفه قه بوول دیری

وشه وه ته ماشای مه کتبه پهسه نایه تیڼ وشه کولی ئاسووتر وه هه م یه کاو گریای (= کلی فراتر از هم افزایی) ساحه ته یل جه وه هه ری و بنه ره تی. ئه مان ئه پای ناسین فره تر مه کتبه پهسه نایه تیڼ وشه و له بنه ره ت ناسین هه ر ئه مرئ.

مه کتبه پهسه نایه تیڼ وشه چه ند گله ده ره ینهر پيشکesh که ید:

ئه وه ل، پیوه ندی وه بی رافه وه گه رد گشت چشتی. ریشه یی پیوه ندی بی رافه وه ناو فله سه فه س.

دویهم، ئاسووچییان وه چوارچووویل بهسیا

سییه، حهقیقهت بندرس (= حقیقت عمیق) ک په‌خنه‌ی پووست مودرنه‌یل و
کلاسیکه‌یل موته‌لق گه‌راس

چوارم، په‌گه‌زئ سییه‌م ک په‌خنه‌ی پیاسالاره‌یل و فمنیسته‌یله

په‌نجه‌م، په‌سه‌نایه‌تیی هه‌بوئن ئووریانیستی ک په‌خنه‌ی له‌تاریف هه‌بوئن وه
روانگه‌ی پیشینیان و هه‌میش ریشه‌ه وه فه‌لسه‌فه‌ دیرئ

شه‌شه‌م، ئه‌ده‌بیات حه‌قیقه‌ت گه‌راس

هه‌فته‌م، ئه‌سل وریانه‌ی شناور (= مراقبه‌ی شناور)

هه‌شته‌م، ئه‌سل وه‌یه‌ک بره‌سینه‌و «وه‌یه‌ک هالی بوئن» دیالکتیک ادراکی

نه، ئه‌سلئ چه‌مکه‌یل سانه‌ویه اصل مولفه‌های ثانویه

● پیوه‌ندی بی‌رافه‌ وه‌گه‌رد شیعر

هه‌ر ئه‌و جووره‌ که‌ چهن‌ جار وه‌تریاس، ته‌مام ده‌س نوس و شیواز و شیوه‌ی؛
ئه‌ده‌بی، ته‌نانه‌ت شیعر و چیرۆک ئامرازن و ئه‌گه‌ری ئیه‌ دیرئ ک ئه‌را نوساین
بوئه‌ ئامانج و رافه‌.

هه‌ر چهن‌ وه‌ درئژایی میژوو، هه‌رکام وه‌ ئی مه‌کته‌ب و قوتابخانه‌یل و
شیوازیه‌له‌ بینه‌سه‌ رافه‌ ئه‌را نوساین ئه‌مان پیوه‌ندی بی‌رافه‌ وه‌ ناو مه‌کته‌ب
په‌سه‌نایه‌تیی وشه‌ پیوه‌ندیگ بی‌ ئامراز نیه‌ و باسکردن وه‌ ئه‌مراز نییه‌ هه‌
وه‌بجووره‌ دۆاین فکر و یا دۆاین هسئ ک هئیزئ هه‌ست، نیشئ ری پیوه‌ندی

بَن رافه زانستیان و له ناو فهلسه فهی ئیسلامی ههم زانست جزووری و ههم
حسوولی خریاسه وه ر باس.

زانست جزووری وه شیوهی جووری پپوهندیی بَن رافه س ک تاک، شه خس، بَن
هۆچ رافه ییگ ده رک وه چه مکه گه داشتوود. وه ناو مه کته ب ر سه نایه تی
وشه ی پپوهندی بَن رافه بَن ئامراز نییه.

ئى پرسته یانئ چه؟ یانی ئه پرای پپوهندی کردن وه گه رد یه ی په دیده (پرووداو)
توایم ئامرازه یل خاسن وه کار بگریمن. ئیمه توایم وه گه رد شیعر بَن رافه پپوهندی
بگریم.

خودئ شیعر یه ی کلیل وشه س ک ئه پرای پپوهندیی بَن رافه وه گه ردئ ئه وه وه
کلیل وشه یل بۆچگتر شکنیم.

شیعر = توخمه یل شیعرى جوور کیش، مووسیقی، ته سویری... و ههر جوور
قوتابخانه و شیوهی شیعرى و...

ئه پرا پپوهندیی بَن رافه وه گه رد شیعر، ئى ئامراز و کلیل وشه یل هۆرده بیه وه کار
گریم تا خودئ شیعر بناسیم. وه ختی ئیمه مه کته ب یا قوتابخانه ی ئیماژیسم
بخه یمه وه ر پرخنه و باس و مینه ی ریشه و توخمه ی؛ ئیماژیستی بناسیم، له
پاسیدا وه یه ک دقای وشه پپوهندیی بَن رافه بگریم و وه گه رد شیعر ته سویری
یا ئیماژیستی پپوهندیی بَن رافه داشتیم. یانی ئیمه وه توخمه یل و به شه یل
شیعر جوور ئامرازه یل یگ ئه پرا ناسین و پپوهندیی بَن رافه ئستفاده که یم؛ له
باوه ت توخمه یل و شیوازه یل شیعریش ههم هه لپوا.

له ئاخرا فره خوه شالم وه خوه م شانازی که م که ئور یانیسم، بیه ده ره وه چه یگ
تا کاتئ که یه که م کتاو کوردیی خوه م وه ناو «مانگ هه لات» وه باره گاین به رزئ
وشه پیشکه ش بکه م. ئى کتاوه که کوملینگ وه ئاسووچامه گان کوردییه وه ئى

دهروه چه خواهتر درهوشی که بیگومان وهبوونهی ئوریانیسم نه تهنیا
ئهدهبیات ئیمپروو ئیران بلکه تهناهت زوان دالگیم - کوردی که لهپوری - تهوانایی
جیهانی بۆن دیری، وهگهرد چین وهناو دونیای بی بن وشه محوری زوان کوردی
گیانی تره ک گری.

ماوهش سولیمانپوور _ مه کتهب په سه نایه تی و شه (ئوریانیسم)

این متن توسط جناب آقای صادق جلیلیان به پیشنهاد فرهنگستان کردی کلهری
به زبان کردی برگردانده شده است.

«هه‌لسمان (= رستاخیز) ئاسووچامه‌گان (= فراشعرهای) کوردی»

مکتب فلسفی ادبی اصالت کلمه (عریانیسیم) یه دو دهس و دس امپراتور کلمیل جهان آقای آرش آزرپیک بنیه نریایه و جار کیشیایه و تا الان فره تر له صد رساله ی دکتری و پایان‌نامه ارشد له پل وچیل (= شاخه‌ها) جور واجور علوم انسانی له بان بنوا و نظریل مکتب اصالت کلمه و نیشانیل دیاری ئوو نویسیایه... جمیان عریانیسیم له هناز جمیان (= جنبش) نرم‌افزاری اسلامی_ایرانی کردنِ علوم انسانی شکل گرتیه و جدی‌ترین نظردر و ایرادگر جهانی فلسفه‌ی اومانیسیتییه. لوره که «مانگ هلات» کتاوی کلن ادبیه، له وخت کوله و صورت کولبر نوریمه ادبیات اصالت کلمه، یانی ادبیات کلیمه‌گرا. عریانیسیم یه آخره که تمام کیه دوره پست مدرنیسم و ول هلاتنیا (= با ظهور آن) تونیم سرِ جم، بن چینه ادبیات و دو دوره زوتر له عریانیسیم و بادز عریانیسیم بش بکیم. له نوای اصالت کلمه اصالت شعر و داسه‌تان هس. گیشتیان، یانی تمام مکاتب و سبکیل ادبی جهان اصالت و شعر و داسه‌تان دانه و بی‌استثنا گیشته مکاتب و سبکیل ادبی زوتر له عریانیسیت له ور گرید، یانه کلمه وسیله و ابزاری زانن ارا سازین بنای بی‌وینه‌ی الاهیل شعر و داسه‌تان و بنه له ور دس اوانه و شعر و داسه‌تان ایشن وجودی و سیا وه ذات (= وجودی قائم به ذات) دیره. امجا له نظر مکتب ادبی اصالت کلمه، واژه سوکان (= ابعاد) و پتانسیلیله فره دیره وله هر کام له مکاتب و سبکیل ادبی یک یا چن ساحت له وانه کشف کردنه و او دوپای سوکانه یا رد یا قبول نکردنه وینه رومانتیسیسم که اصالت و تخیل و احساس دایه و مثلن خردگراییه که شالوده مکتب زوتر خویه یانی کلاسیسیسم رد یا قبول نیکه رئالیسیسمیش اصالت دیده واقع

گرای امجا تخیل و احساس که حاصل زامت و پیکره مکتب روماتیسم بیه نادیده گری و اویش باطل زانی هه یانه وی جوری بنه جای گیشتی مکاتب و سبکیل ادبی جهان له شروع تاریخ تا الان و بی‌استثنا گیشتیان چن ژیر پرچم مکتب اصالت شعر و داسه‌تان. له جای ترو اصالت دانس شعر و داسه‌تان و اوسا کلمه گرتنس ور دس خویان و ابزاری ارا سازین مال شعر و داسه‌تان؛ یانی شعر و داسه‌تان هدف نین وسیلگن و له جای ترا له ساحت یا ساحتیل له کلمه کشف کردنه امجا چوارچوی سازینه و نزر و دنیای ادبی خویان و او اندازه اوه بیچگ و کردنه و کشف خویان تمامیت و حقیقت ادبیات زانسنه و رد و انکار و جنگِ ول اودیای سوکان و پتانسیلیل کلمه خسنسو ری. استاد آرش آزریک بنوا نره و نزر به در عریانسیم ارا اولین بار له تاریخ ادبیات جهان کلمه که دالگ شعر و داسه‌تان و او دیای ژانریل نوتیای ادبیات و شعر و داسه‌تان که وسیله ارا رسین و کلمه زانه و اعلام کید له نظر یو له ادبیات تنیا کلمه وسیا وه ذات و هدفه و شعر و داسه‌تان وسیلگن له ور دسه. یا عریانسیم و جای چارچو سازین له چیشتیلی که یای گرتیه نه رد کید نه انکار اودیای سوکان و پتانسیلیل کلمه که و دس مکاتب و سبکیل تر کشف بینه و احترام و اوانه و استفاده له تمام پتانسیلیل کلمه له شریعت ادبی و جنسیت ادبی خوی ناسووچییان (= قَراروی) کیه امجا چارچو شریعت ساز مکاتب قبول نیری و کشفه که له دنیای کلمه دایشتنه قبول دیری.

هر مکتبه له دنیا یا شناخت شناختیه یانی هدفه شناخت و نظر دان در مورد فلسفیل و نظریل پیشینیانه یا ایدولوژی گراس.

مکتب اصالت کلمه یه مکتب شناخت شناسیه و هدفیش شناسین مکاتب ادبی و فلسفی و... در کل شناسین پتانسیلیل کلمس

ایجوره له ادبیات شعاره هاتنو له نو دی ول نظریه تازه ترا و اصالتیل ناسووچن. اصالتیل ناسووچن هو سنتیل متعالین امجا مورد بی میلی قرار گرتنه.

و له نظر مکتب اصالت کلمه له بان دو موره وسایه:

اول، هدف زانسن کلمس

دیم، وسیله قرار داین کلمه وه مکتب اصالت کلمه

الان توایم بزانیم کلمه هدف ادبیات قرار گرتیه ارا؟

ارا یه که اعتقاد دیره تمام پتانسیلیل ادبی و هنری و رنگین شناسی له دل کلمه و له دل جوهریل کلیه گریایه جور هی شعر و داسه تانه

شعر و داسه تان له دید ایمه هدف ادبیات نین، ولی پتانسیلیل له کلمن که و واسطه تبدیل بوینه یانی شعر و داسه تان ابزارن، وسیلن و پرزیگن تا پتانسیلیل کلمه دیاری و بکن ولی هدف بوین کلمه نبایا نوی ای امره بگره که ایمه و روی جنبیل وسیلگی کلیمه چو بوسیم.

کلمه ارا ارتباط یه وسیلس و ارا قسیه کردن له جنبه ابزاری استفاده کیم. کلمه له نظر مکتب اصالت کلمه دالیگه که و مدلوله دلالت کی هو جوړه که این تاریخه قبول دیری.

کلمه له نظر مکتب اصالت کلمه کلیگه فرتر له هم یه کاو گریای (=هم افزایی) ساحتیل جوهری ولی ارا شناخت فرتر مکتب اصالت کلمه و شناساین هر امریگ مکتب اصالت کلمه چن نیشانه (= مؤلفه) اویشی.

اول ارتباط بی واسطه ول هر چیشتیگا

بن چینه (= ریشه) ارتباط بی واسطه له فلسفیا تید

دویم ئاسووچیان (= فراروی) له چارچویل بسیای

سیم حقیقت بندرس (= حقیقت عمیق) که و نظر کشید پست مدرن و
کلاسیکیل مطلق گرا

چوارم جنس سیم (= جنس سوم) که نظر دید له بان پیای سالاری و فمینیستیل

پنجم اصالت وجود عریانیستی که نظر دید له بان تاریف وجود له دید
گذشتگان و بن چینه له فلسفه دیری

ششم ادبیات حقیقت گراس

و هفتم اصول وریانهی شناور (= مراقبه شناوره)

هیستم اصل دیالکتیک ادراکیه

نومیش اصل نشانیل ثانویس (= مؤلفه‌های ثانویه)

● ارتباط بی واسطه ول شعرا

هو جوړه که ویتیمه تمام مکاتب و سبکیل و تحلیل ادبی حتا شعر و داسه‌تان
وسيله و ابزارن و ممکنه ارا نویسان و هدف و وسیله تبدیل بون.

هر چن له طویل تاریخ هر کام له مکاتب و تحلیل تبدیل واسته ارا نویسان
بینه ولی ارتباط بی واسطه له مکتب اصالت کلمه ارتباط بی وسیله نیه. هو

جوره که له نو تفکر فلاسفه له مورد ارتباط بی واسطه بحث کردنه قسیه ولی له بی وسیله نیه و همیشه آخرین تعیین تفکر و یا آخرین حسیگ که له بان قوه ی احساس نیشتیة ارتباط بی واسطه ایشن له فلسفه اسلامییش علم حضوری و حصولی جار کیشیا.

علم حضوری و شکل و شیوگ له ارتباط بی واسطس که شخص بدون هوپچ واسطگ درکی له پدیدیل دیری. له مکتب اصالت کلمه بی واسطه بی وسیله نیه.

ایه قسیه وتیم یانی چو؟ یانی ارا ارتباط برقرار کردن ول یه پدیده بایه له وسایل و لوازم درسی استفاده بکیم. ایمه توایم ول شعرا ارتباط بی واسطه برقرار بکیم. خود شعر یک کلیل واژس (= کلیدواژه) ارا ارتباط بی واسطه ول اویه بایه و کلیل واژیل بیچگتره بشکنیمه.

شعر = عناصر شعری جور وزن، موسقی، تصویر و جور واجور مکاتب و سبکیل شعری و...

و ارا ارتباط بی واسطه ول شعرا بایه له لوازم و کلیل واژیله شکای و بوچگو بیه استفاده بکیم تا بشناسیم خود شعر.

وختی ایمه مکتب ایماژیست خونیم و تحقیق در موردی کردیم و ول فلسفه ایماژیستی آشنا و بیم او وخته بن چینه عناصر ایماژیستی شناسایی کیم.

در واقع ول یک سوکا (= بعد) له کلمه ارتباط بی واسطه برقرار کردیمه و ول شعر تصویری یا ایماژیستیا ارتباط بی واسطه داشتیمه یانی ایمه له عناصر و آرای شعر و ناو وسیله ارا شناخت و ارتباط بی واسطه وله شعرا استفاده کیم در مورد او دویای عناصر و تحلیل شعریش هیجوره.

له آخر فره خوشحالم و با سر برزی ایوشم عریانیسم بیسه دروچی تا اول کتاو ئاسووچامه‌گان خووه‌م وه ناو «مانگ هلات» و بارگای برز کلمه پیشکش بو. ئی کتاو و سرای شعر کوردی دروچه اضافه کید له جنس عریانیسم تا نه تنیا امرو ادبیات ایران بلکه زوان دالگیم یانی کوردی کلهری توانایی جهانی بین پیدا بکی و تا له نو دنیای ادبیات کلمه محوری زووان کوردی گیان تازه بگری.

ماوه‌ش سلیمان‌پور _ مکتب اصالت کلمه (عریانیسم)

این متن توسط جناب آقای میثم رجبی _ عضو فرهنگستان کردی کلهری _ به زبان کردی برگردانده شده است.

فرهنگستان کردی کلهری زیر نظر اندیشکده‌ی جهانی کلمه‌گرایان ایران با مدیریت جناب استاد آرش آذریپک برای پرمایگی بیشتر و زیناوند کردن زبان ورجاوند کلهری به عنوان یکی از زبان‌های مستقل قوم بزرگ کرد در علوم گونه‌گون انسانی، تجربی و فنی بر اساس گنجینه‌ی هزاران دَفینه‌ی واژگانش ناگزیر از احیای واژگان کهن و مهجور و ابداع کلمات نوین از زهدان واژگان تبارمند کلهری است. زبان‌های کردی از قبیل کلهری، هورامی، شکاک، لکی، سورانی، کرمانجی و... به عنوان نیای زبان پارسی گنجینه‌هایی بس عظیم در

تمدن و فرهنگ ایران بزرگ فرهنگی به شمار می‌آیند. در این راستا چند دانش-واژه در فلسفه به عاشقان کلمه پیشکش می‌شود که خود آغازگر راهی برای هر چه به روز کردن خزانه‌ی بی‌پایان این زبان جوان‌کهنسال است.

- هه‌لسمان یکی از واژگان خنیاگر است که به فراموشی سپرده شده و روزگاری کردان کلهر آن را به جای واژه‌ی «قیامت» عربی و «ستاخیز» پارسی به کار می‌برده‌اند.
- ئاسووچامه به معنای فراشعر است که با پسوند «ان» که در کردی کلیایی از گویش‌های کردی کلهری به عنوان یکی از نشانه‌های جمع به کار می‌رود آمده. (ئاسوو به چم افق، آن‌سو، فراز، بلند، خط پیوندگاه چکاد کوهی بلند و آسمان؛ و چامه همان شعر است) که ئاسووچیان، ئاسووچن، ئاسووپیا، ئاسووژن، ئاسووچیرۆک، ئاسوونۆسا به ترتیب به معنای فراروی، فرارو یا فرارۆنده، فرامرد، فرازن، فراداستان و فرامتن بر همین اساس برساخته شده‌اند.
- وسیا وه ذات به چم قائم به ذات
- سۆکان به عنوان معادل کردی کلمه‌ی ابعاد پیشنهاد شده که از «سۆک» به معنای «زاویه و گوشه» برگرفته و بر اساس کردی کلیایی با نشانه‌ی «ان» جمع بسته شده. ناگفته نماند که واژه‌ی «سۆکا» برای حالت مفرد آن، «سۆکادین» به چم بُعدنگری و ئاسووسۆکا با معنای فرابعد در دانش‌واژگان نوین کلهری کاربرد دارد.
- کوللی ئاسووتر وه هم یه کاو گریای برای عبارت «کلی فراتر از هم-افزایی» پیشنهاد شده یعنی هم یه کاو گریای به چم «هم‌افزایی» و هم یه کاو گریا «هم‌افزا»ست.

- وریانه‌ی شناور به معنای مراقبه‌ی شناور در نظر گرفته شده. وریانه معادلی برای کلمه‌ی مراقبه و برگرفته از واژه‌ی «وریا» یعنی مراقب و هوشیار است.

دفتر فراشعر

ناوک داره گان

کهفت

له شه کهتی

شه وه کیان ږوته لی

گوم بومه

وه یه ی هه و

کزه ی هه ناس سه ردیگ

هه لوه شانم

دی چه وه پری خوه رئاوا نیم

داره گان خه یاللم

به رڼو نه یرن

شه وه کیانم

تیه له...

زوخه...

زامه...

ژانه...



یه کزه ی ههناس

ئافره تییگ برا مردییه

ک ههرچی خوه شیه له هۆره و بردییه

ناوک ده یشته گان کهفت

ئه وقه ره ده ویمن

له شوون ناشقی

لق شاخه گان

و ناوک کهفتی

دڵ ژان پروژگار

وه ختی

شنه فتم تونیش

کهفتی

له خوڵپه ی خه م و په ژاره

جه رگم سزیا

من له سه ردی واهیلان

وه هه لقرچان واران



تیه مه و

دی خودای که و

واز بار له لیم

شیریگ که خواردیوم

له لۆمه و درات

شیر دالگد له شوون دهنگ مه

شیعر که خوه نیدن

له ویره و نه ویدنم...

و دهنگ خوهش نۆس له ئاخر مه تنه گه:

خوهزیمه و ههرکه تیدن وه مالد

بووده کشکچی گونه گه ئی چالد

خوهزیو وه ههر کهس نیش له سایه د

شه که تی ده رکئ، چه وه پیل کالد

شه وار شانئ ها قینه وه

له ت له ت بۆه له و چینه وه

ئاگر خسه په چینه وه



پرميا ئى مال و سۆنه وه

«ت ئه ي گيان پر زام م»

«به وره و مه كه به د نام م»

به و شۆم مه كه شه وارم

زه ده و مه كه وه هارم

ئاخر به خشه م وه خودا

پۆتار مه كه ده وارم

ده لياي خه مه خۆن چه وم

سه ر تا وه پا لهرز و ته وم

مُشه و ت به وه وه ناو خه وم

ته نيا قه رار هه ر شه وم

«ئه ي گيان پر زام م»



«مه چوو مه که، بهد نام م»

مُشه و ک داخ دلم فرهس

خوه د بهو وه داد م پرهس

ئاخر نه که دل دس وه دس

مه گهر چو م ئه رائ ت ههس

گلاره ی راسه گم هایدن له کوره

مه چوو مالم وه بی تو سووت و کوره

م له ی دنیا زیانم بی تو زوخه

ئه گهر دۆرم له تو دی دس زووره

شه واران له شوونت هه دهو کهم

ئه گهر نایدن له ئی شاره م پهو کهم

شه وار دلته نگی گرم وه کوولوه

وہ ڙير ئي ته گهرگه چو ۾ خه و که ۾

سه ري ۾ کيشه مال۾، نازاره گه ۾ ڇيئال۾

خه ۾ و خوسه ۾ ڏورييد شان دواره بال۾

تاکه ۾ ۾ ۾ ۾ ئه ۾ گيان له ساي ڌار ۾ ڇيئالڌ؟

ڊاچه کيا سقان۾، چهنن ۾ په شيوه حال۾

هيمان له شوون ئه و شڪاره ره و نه کردم

خودا په لپنن نه گرتم ته و نه کردم

وهتم بيلا بچو و به هن ره قببه

له وه ختيگه و چيه خاس خه و نه کردم

گلارڙان فهقته هور چهود که ۾

وينه به رگنن له رڙو زه و ته له وه د که ۾

گلارڙان و من رزييمه چو يه ک



منه‌ی بوو ئه‌تره‌گه‌ی قه‌ی وه‌رقه‌وه‌د که‌م

له شه‌و پرسم خه‌ور له یار نه‌پیری؟

ئه‌پرای سووز دلم ژه‌نیار نه‌پیری؟

وه‌پیم قو‌شی ت مه‌ولا ناو‌ی دی مار

هیمان ها ه‌ورد و دی ئار نه‌پیری

زلفی چو له‌ولاو خسییه وه‌ شانا

ده‌م چو به‌ره‌فتاو ها له ئی بانا

له وه‌ختی که‌فتم له دام ه‌ور‌ی

دلم چو شیشه‌ دا مل سانا

دلم وه‌ ت ک دلم په‌و که‌ی له شووند

چمان ساجیگ بوود و ته‌و که‌ی له شووند

وه‌ ده‌نگ گه‌رم خوه‌ی گیانم چه‌پاو که‌ی

هه نای تیهیدن وه باوان

کونه پر کهی له ئاوان

بوومه خړ چه وه یلد

نازار سهر سه راوان

سه روین لاری، هه ناری

نازار کول شاری

دلّیل گشتی ها پیده و

که ژالی چه و خوماری

په ریزایه ی خه یالی

خاوه ن زنج چالی

لیموو قه سری وه باری

نازار گه ورا مالی

لاوه که یدن تو خانم

ناگر خهیدن وه گیانم
دویهت خانی، شوانم
له لاد گت کهی زوانم

بالا بهرزی، چناری
ههناری تو ههناری
خوهزیه و بوومه میواند
گوپی ټاو ټه پرام باری

بهوره و وه ناو خه و هیلم
دهردد له ناو چه و هیلم
خوهدی ده رمان ژانم
مه ل ههم ټه پرا ته و هیلم

شرین زوان و نازی

وهل دلآ نیه سازی



ئه پرا تو چه رخنیده م

دلّم گریده بازی

بیلا بام وه خوازمنی

باوگد بکه م دی پازی

تۆشم ئه ی خان که لهر

له لید نیه توام جه هازی

بوومه شوان مالد

سه ر بنمه بان بالد

وه ده زوران ده زوران

بام بپرسم هه والد

دلّم شیت چه ومه سه

ئه پرای من هه کول که سه

دۆره و مه که ف له دیده م

دقۆرى له لێد دی بهسه

گهنم و ساقه و...

ههفت سأل ترهك

قهلب و عشق و...

ههفت سأل ترهك...

تيك...

تاك...

يه هاوار دل منه

هه ر وینه ی پهپوله

وا هاو پاز منه

زانی توام

خوهم بیهه مه دهس وا

تا هه چۆ بئقه راریه وه گووشد بره سنۆ

چه وه یلم

له دقۆرید وارێد



وارانیم

زامم...

تیه لم...

گاهه س منیش

کووچه رم

زولخایگ له ناو تیلوم

نالان بو

نه وه قه شنگی نیوه

باوگ و سه رده وا و پروژگار

کاهنه یلیان

عامون پرسیان

وه لی مه

وه خودای یووزارسیف رو هاوردومه

تلاسه بون

له ناو بته یل

بمارک خواهیان

بمارک هه رکه له مه قه شنگتره...

دگله ههفت سآله قه لبه گه م

وه ناو ئيوه کوتيد

د ههفت سآل تریش ئه گه ر بووم

عاشقی نيه پرسئ

مسر بوود يا فلسطين يا كوبانی

ناو يارد

ئاخر قه سه مده...

تو ئه وين منی

حه ز ناکه م که س

له دووای تو

پیم بلن

خۆشم ده ویت

دهنگی تو

چاوه کانی منه



چاوه پروانی تو ده کهم

فرمیسی من

ئاوی زولالی بیقه رارییه

له دۆری تو

خه م بو دَل میوانه

گه وره ترن

ئاوی بهرز تو ئه وین منه...

ده نگد هاتو له دۆره و زو خوسه م چی

ته و ژان له دلّه و له ناو جه سه م چی

وه تم دی ناود هه ر نارم وه مه ولا

به تالمه و بو له هۆرم دی قه سه م چی

چمان خودا کیشایه وه نزره کهت چه وه یلی

نۆری له مانگ و له خوهر خسییه له ناو خه وه یلی

بال بژانگ هه نای خه ی دونیا بووده ته ماشای

هسه ره گان نیه زانن مانگ ها له ناو شه وه یلی

ت وه گيسد تهناف دار ديړى
 وه ئه‌ى حال په‌شيوه كار ديړى
 م خوه‌م زانم دروو ئوشى توامه‌د
 خودايش زانئ كه تو نازار ديړى
 م فهداى چوزه و چه‌وير شانده‌و
 ت بنووره، گيان م قه‌ى گيانده‌و
 تام نان ساجى و رځن دان ديړيدن
 ها وه قه‌ى مه‌شكه‌و دوو كوله‌نانده‌و
 مف نام له چه‌ود كور تاوم كردى
 وه تير بژانگ چه‌پاوم كردى
 شه‌كه‌تى شه‌و خسيده‌ شانده‌و
 وه سوک چه‌ود تاو تاوم كردى
 وه بن تو دى له ئى شاره‌ نيه‌نېشم
 له ئى شار خوسه‌ باره‌ نيه‌نېشم
 وه بن تو م شه‌و پروژم چه‌رامه
 هه‌ دى له‌ى سوک ديواره‌ نيه‌نېشم

تو خوو عه‌زیز و سه‌رکه‌شی تامازرو هه‌رچێ به‌شی
به‌و وه‌ ديارم له‌ خوه‌شی هه‌ی نازه‌نین مێوان من

[هه‌ی تو ئارام گيان من]

بيلا وه‌ ده‌رده‌و به‌رم دی چه‌ توای له‌ گيان م
که‌م بخه‌ دی ئاگر خه‌م له‌ به‌ن به‌ن سقان م
ئه‌پرای چپین ناو تو به‌ن بۆه دی زوان م
به‌و گش که‌ سم بوومه‌ خپد ته‌نیا خوه‌شی جاران م
ئه‌وور وه‌هاری وه‌ خودا شرین شاری وه‌ خودا
هه‌ی شپۆه‌ ناز له‌ لیبیم

کشماته‌گه‌ی بێ مه‌لیبیم
چه‌وه‌رێ وه‌هاتم ک سه‌وزه‌ بۆد له‌ گيان م
هه‌ی خاتر ئه‌سرین ئه‌وره‌یل بێ واران م
له‌ ناو خه‌و یه‌ی ده‌فه‌ ماچ ده‌سم کرد
وه‌ عشق خوه‌ی وه‌ یه‌ی هه‌و پابه‌سم کرد
له‌ ناو خه‌و بۆمه‌سه‌ لێوه‌ی چه‌وه‌یلێ

خودا هاوار له ناو خه و چۆ مه سم کرد
هۆرئ کوانئیم کرده خو له کوو
خودا هه ی هاوار رۆ بنه مه و کوو
وه چه رخ چه وئ کفتیه سه گیانم
ماو لّم نیه گری تا گهر گول سوو
خه یالئ سه وزه نیه چوود و هۆرم
دالان دلم بۆه توو دهر توو
تو مه پرس له لئیم ئه پرا سووزانم
تا دهر د دلم نه وشم لوو وه لوو
گیانم چی له دهس ها کوو چه وه یلی
ئه سرم له ی چه وه چۆ کردییه خوو
له لۆ چه م لۆئ نیشتم وه تیه نی
خوه زیه و بائدن و ئاو بارئ له جوو
یه ی پروژ بان گرن له وهر ئه و چه وه یل که ژاله
تیه ن وه پیری مانگه و، نوورن وه و زنج چاله
دهر که ن شه که تی ئرمئیس، له تیژی ئه و بژانگه



زانن دوا‌ره شه‌وێ له چاه كه‌فیده چاله
مانگ نیشته‌یه له بان ئه‌ور ئاوس هه‌ورد
تیه‌یده‌و وه شوون مه‌لکان، ئه‌و چه‌وه‌یل زوله‌له
م خوه‌م نه‌زانسم دی، بوومه‌ مدوو هه‌ورد
هه‌ر یه‌ زانم كه‌ مانگم، نازار گه‌ورا ماله
پووپه‌كه‌و دایه‌ له بال گیانه‌گه‌م
هه‌ر تو تانه‌ی وه بان شانگه‌م
تا وه سوو خاسه‌و نه‌هود زام دلم
له‌ت له‌ته‌ كۆزه‌ی خه‌وم باوانه‌گه‌م
وه‌هار چه‌قین گوله‌یل باخه
دله‌یل عاشق پر ئاخ و داخه
وه‌هار میوان چه‌وزه‌ی چه‌وده
چه‌وه‌یل په‌نگین پر له‌ خه‌وده
وه‌هار مزینانی زولف كاله
عه‌تره‌گه‌ی شاهوو، شه‌ق واده
وه‌هار ته‌مه‌نگای زنج چاله

واران په وڼي دهر مآده
وههار ده زونک ده س شمشالہ
که لآنتهر ژني، له و گهورا مآله
وههار سه وزي چه و سه وزده
گول پر له هه قرات تازه په وزده
وههار هه توني ترنگه ي ناوويلي
فريشته ي ته نيای ناو سووويلي
وههار ئه ر بايدن نيه که يد دلته ننگي
وهختي تو تيه يد و به سي گولوه ني
له هه ناز چه ود ده واري هه ل ده ي
وههار شه که تي شه وار وه لا به ي
وههار بوو خواهش خه يال تونه
مزياني نازار هه و آل تونه
وههار ک تيدن چوزه ده ي گيانم
هقرد خواه رئاوا ته ک ده يده شانم
وههار په وڼي خه يال تونه



مانیشت و شاهوو هم مآل تونه
وه هار ک بآیدن هه قراتد تیه ری
خه م چوود و هه رگز نیه گری سه مری
په راو له خو هشی وسید وه پاوا
وه هار خه م دل ده یدن وه ئاوا
سه رکه ش دواره په خشان که ئی ناود
ئلاهه ی خو هشی که یدن چه پاود
وه هار، ته مه نگای زنج چالده
رپیوار هه ر شه و دهر مآلده
وه هار گولوه نی، سوخمه پووشده
په نجه یل شمشال پر له جووشده
وه هار هه قرات مانگ وه لا تیه ری
چادری له نۆز که یدن له وه ری

واران واری

له چهود



واران... دهر

واران... زوخ

واران... ژان

واران واران

ناو ت له خيالم

هه ر چي واران نه ئرميس منه

تیهو تیهو واري

منيش نووسم

[واران]

مِ وارانم، مِ وارانم، مِ واران

تِ بهو خوئکم بکه، جوړ جار جار

مِ وارانم، مِ شوورم هه چي کهوره

وه میوانی تِ تیه‌م، مالّ م ئه‌وره

م وارانم، خودا دایه به‌شم ناز
تِ چاک سیننه‌گه‌د پِرق م بکه‌ه واز

ته‌مام داره‌گان هه‌ر هانه‌ مووده‌م
خودا بکه‌ئ له ناو هۆر تِ بووده‌م

م وارانم په‌فیق ده‌روه‌چه‌یلم
ته‌زئ ده‌رچوو له سایه‌د ئه‌ززه‌ته‌یلم

م وارانم، خه‌لاتم جامئ ئاوه
تِ به‌و هۆره‌یل خه‌م له‌ی گیانه‌ لاوه

دۆری گه‌ن نییه‌ وه‌ختی

له‌ چه‌ود بکه‌فم



چم ئەپرا شار دۆرئگ

دۆر...

هۆر...

نۆر...

سۆر...

دى هۆچ نيه مئىن

ئەپراى ت مە سەر و گيان و چهوم دەم

خودا ساپەد نە كئىدن لە سەرم كەم

مە چۆ دۆل نەم لە ت كە نازە نىنى

ئەگەر دۆر گەردمە هامە خوسەى خوەم

دالگم وەت

دى خوسە مەخوہ

خودا كە ريمە

دالگم چى



زۆ هیشته مه جی

هه رچی

شوونی گهردم دیاری نییه

دالگم

دالگد

ناو نازار هه رچی دالگه

ئه پرا دالگه...

چه نی هۆر چه وهیل دالگم که م

چه نی گیرم له داخی هه خوه م خوه م

ئه گهر بۆشی که سێ ک دالگد هات

سه ر و گیانم وه مزگانی ئه پرای ده م

وه پیم مه‌ۆشن مه‌گیر و ناوی دی مار

خودا هاوار م چۆ دَل له چه‌وی نه‌م

ئه‌پرای گیرم وه بیده‌نگ تا گۆل سوو

له مالم پاپران نیه‌ودن شه‌وی خه‌م

م سووزیامه له وینه‌ی شه‌م بزانه‌م

شه‌که‌ت بۆ شه‌و له شوون م و که‌م که‌م

تیه‌له‌ تام شه‌و و پرووژم و بێ ت

ت چیده‌ دالگه‌ هه‌م ئه‌وره‌ هه‌م ته‌م

دلم په‌لپد گری تا پرووژ مردن

هه‌لاکم من ئه‌پراد چۆ ئاو زه‌م زه‌م



دلم توای ک سه‌ر له باو شد نه‌م

وه پید بۆشم ئه پرای مالد دیرم تیه م

له دیواخان بخه ی فهرشی چۆ ئه وسا

له ده ورد گشتیمان دوواره بۆم جه م

ت چید و دالگه باوانم رمیاس

دلّم پر بۆ له ژان و خوسه خه م

منالی...

شه پر...

ئاواره گی...

تفه نگ...

په و...

ئهی ئاسمان که و...

به شم له منالی بۆشم که مه

یه‌ی مه‌لۆچگ

زه‌خمی

ده‌رد و خه‌مه

منالیم شه‌که‌ت و ژانه‌ برا

شه‌ر و گوله

ته‌رکش و سانه‌ برا

له‌ ناو منالیم مه‌لۆچگه‌یل زه‌خمیین

وه‌ کی بو‌شم

شیره‌ کوپه‌یل دی نیین

هۆر منالیم هه‌ قه‌لماشنگه

دلم‌ ئه‌پرای مناله‌یلیم ته‌نگه

من هه‌ توام ده‌رد دلم‌ وا بکه‌م

زام منالی‌ خوه‌م ئه‌فشاکه‌م



تا تو به‌زانی ک شه‌ر راحه‌ت نییه

شارم زامه‌یل فره‌ خوو دیییه

[حه‌ماسه‌ی غه‌رب]

ناو قه‌سر و سه‌رپێڵ که‌فتییه له هه‌ورم

داخ ئه‌پرای برای نه‌کردی سۆرم

له بازی دراز و گیه‌لان و ئه‌لوه‌ن

خۆن شه‌هیده‌یل ئاوپۆمان سه‌ن

شاباد و کرن قه‌سر و دالاهوو

حه‌ماسه‌ی کورده له کۆه‌ی که‌یکوو

ئه‌پرای شاره‌یل پـر ئه‌فتخارم

له دیده ئه‌سر چۆ واران وارم

قهسر شرینم خون بقو خه لاتنی
سهر بهرزه و عزهت ها له ناو زاتنی

حه ماسه ی کلهور ته نگه ی مر ساده
له خون شه هید مهرزم ناباده

شیره کوره یل کورد کمر ماشان
قهسر و سه ریئل و نه ته وه ی گیه لان

حه ماسه ساز تاریخ جه ننگن
برای هاو پشت پرووژ هیل ته ننگن

سهر بهرزی غه ربم، قهسر و گیه لانه
پاوه و نه وسود و ناو کمر ماشانه

حہماسہی غہرہم تہنگ حاجیان

لہ جہور فہ لہک سزیابہ سوکان

شارم مرکز کہ لہورستانہ

شانازی کورد و گشتی ئیرانہ

کورد ئیلام و سنہ و مایشتہ

ہہرسین و سہحنہ، کؤہی مانشتہ

سہربہرزی غہرہم، پاوہ و جوانپوود

مایشت و گواور، سہلاس و نہوسوود

حہماسہی غہرہم خؤن شہہیدہ

داخ جہوانہیل وارید لہ دیدہ

ملہت کوردم لہ تاریخ دیار

غیرهت ها خونِ چ دهیشت و چ شار

کرماشان شار فه‌داکارییه

شار شه‌هید و سفره‌دارییه

کرماشان شار غیرهت و جه‌نگه

له خون شه‌هید کۆچه‌گان ره‌نگه

چه بۆشم له جه‌نگ، له بازی‌دراز

له شه‌هیده‌گان کـردنه په‌رواز

چه بۆشم له داخ پوولله‌پوو دایه

له به‌رۆ سووزیای نه‌گرتی سایه

چۆ بۆشم له خه‌م له جنگ و ره‌و ره‌و

شاهد جه‌ورنی، ناسمان که‌و



چو بۆشم له شههید شار کهنگاوه ر
حه ماسه ی غه ربم ولات گرته وهر

کورده یل سه رفه راز و ئاو پۆمه نن
له وای پووسه مئ ئه پای دژمه نن

غهرب ئیرانم شههید پهروه ره
له مهردانه گی له دونیا سه ره

غهرب ئیرانم هه ر ناوی بهره زه
وه مهردی ها له ئی شان مه رزه

کوردم کرماشان ئفتخارمه
که لهوړ ئیلمه، گیهلان شارمه

گیہ لآن مہرکہ ز کہ لہورستانہ

شانازی کورد و گشتی ئیرانہ

شیرکوو بی کہس نیہ

م ° بی کہسم

ک ° تو نہ یرم

و ہنمان زینیم

شیرکوو مہراتور شیعر جہان

بنور

ئہمپراتور وہ شہیل جہان _ نارش نازہرپہ یک _

چوہ نقوسی

چوہ نقوسی

چوہ توای

لہ میژوو ئہدہبیات



له حقیقت عریان

فراشعر کلمه‌گرا

فراداستان کلمه‌گرا

فرامتن کلمه‌گرا

واژانه...

له سووزیان جه‌رگ دالگه‌یل

له زه‌ق له‌رزه له‌کووبانی

له زام کوردیه‌یل

ئه‌پرا شپ‌رکوو

ئاها‌ی شپ‌رکوو!

کورد بی‌کسه

له زام کوردستان

له ژانهيل نادياړى

له زه قو

ك تيه و تيه و وارټ

له حه له بچه

له خوڼ

له كوولبه ر و زام كارى

ئاهاى شيركوو!

مپراتور شير جههان

به وره و

سهوز بكه له كوردستان

بنقوس

له خوڼ

له سوڼ

له منالهيل تهر ف تون



بنۆس له زام

له جهفای زهۆ له رزه

ک° کورد خس له دام

ئاهاي شېرکوو!

به و بنۆس

له به شهر

له کورد

له روولهی دهر وه دهر

ئهای دۆهت که لهور

ئيقه ره که لهور که لهور نکه

وه سوريه خوهر ديړی

وه کوبانی...

وه عفريّن...

وہ پرووڑاوا...

بوو تیکلہئی وہ پشہی خوہد بایدن وہرہو مہ لۓہن پشہی خوہد

ئہری

ئہری

وہ عفرین و

کوبانی توشم

عفرین زامدار سہد ژان و داخہ

سوز پہر پہر بق گوئلہیل باخہ

عفرین داخہ گہئی لہ نوو کاریہ

ژان و زام کورد نا دیاریہ

وہ ختی منالڈ گری وہ شانہو

خودا بنوورہ زولم لہ ئہو بانہو



حجّله‌ی خۆن به‌سا له‌ شار عفرین
خودا له‌ی زوڵمه‌ که‌ی گریدن قین

نیشتمان کورد دی وه‌هار نه‌یێرئ
عفرین ویران بۆ دی نه‌من خه‌یێرئ

عفرین زامه‌گه‌ی سووه‌یل سووه
خه‌م له‌ گیان کورد، ژان لولوه

کورد پڕ له‌ خه‌مه‌ دی وه‌هار نه‌مه‌ن
وینه‌ی قامیشه‌لو، گۆل وه‌دار نه‌مه‌ن

عفرین زه‌خمیه‌ خوه‌ی ته‌نیا نییه
کورد زام فره‌یگ له‌ میژوو دییه

عفرین یه‌ی داخ پڕ له‌ زام دێری

كورددهیل غه‌یور با مه‌رام دیری

كاوهی ئاسنگه‌ر خسنه‌ی له خوار
واران وه رۆ زه‌ق له خه‌مه‌یل بووار

كورد كووبانی، قامشلو، عفرین
ئه‌ردووگان وه تو هزاران نفرین

تا كه‌ی زولم و جه‌ور خودا دی به‌سه
خودا سه‌د هاوار ئاگر ها جه‌سه

عفرین سه‌د داخ پر له زام دیری
كورددهیل غه‌یور بامه‌رام دیری



هۆر خییالی تیه‌له

هۆر ئاگر دان دلّه

له زام و ژان و بِن قه راری

هه هۆری که ید

دی چاره نه یری

له چاره ی سیه د پرسئ

هۆری نه که م؟

هۆری نه که ی

ئۆشنه پیم هۆری نه که

ئئ گیانه خاپۆری نه که

له وهر چه و دۆری نه که

خودا خو و که ی تاوانمه

ئاگر نابه وه ی گیامه



ټاهوو چه و ه بالآ خواهه شه

ټه و نه و نه مام مه هو ه شه

وینه ی کو هیل سه رکه شه

سه فای فره، دو ر له خه شه

نه وشن وه پی من مردمه

هوچکه خه و ه دراره و نه که ن

گیان من بیماره و نه که ن

خودا خو و که ی تا و انه

ټاگر نایه وه ی گیانه

شار دلې هه ر وه ی وه یه

ټوشن وه به ک ده فنې که یه

به ه ه یشته خوه ی چاک به قه یه



نەۋشەن ۋە پىن مەن مەردمە

ھۆچكە خەۋەردارەۋ نەكەن

گىيان مەن بىمارەۋ نەكەن

ئى شارە ھە ژارەۋ نەكەن

كەسەن خەۋەردارەۋ نەكەن

جەرگەم دى قەلارەۋ نەكەن

دللى ھە دى زارەۋ نەكەن

بىلا بچوود ھۆرى نىكەم

خەۋەشى ئەراي نۆرى نىكەم

ئى گىيانە خاپۆرى نىكەم

دى نالە لە دۆرى، نىكەم

نەۋشەن ۋە پىن مەن مەردمە

ھۆچكە خەۋەر دارەۋ نەكەن



گیان من بیمارہ و نہ کہن

یہ نازارہ گہ ی کہ لہرہ

واران چہ وی چپو دوورہ

دلّی لہ ئی دونیا پرہ

دہمی ئہ پای من ہہ ر زرہ

نہ وشن وہ پپ من مردمہ

ہوچکہ خہ و ہردارہ و نہ کہن

گیان من بیمارہ و نہ کہن

ہاتہ خہ یالّم یہی شہویّ

ئاگر شوون خوہ زیہ ویّ

ئہ ژنہ فتمہ، قسہ کہویّ

دلّ دی نیہ چوو لہ تہ لہویّ



نہ وشن وہ پپ من مردمہ

هۆچکه خه‌وه‌ر داره‌و نه‌که‌ن

گیان من بیهاره‌و نه‌که‌ن

[بالابه‌رز هایدیه‌ کوو]

چنار بالابه‌رزی، هزار شه‌مامه‌ تیه‌رزی

وه‌ختی گهورانی چپی ئامان وه‌ به‌رزی به‌رزی

شه‌ق کوردی که‌یده‌ وه‌رد، سه‌روه‌ن وه‌ بان سه‌ره‌د

زه‌رد و سوور و په‌نگینه‌، سووخمه‌ی کوردی له‌ وه‌رد

نازاره‌گه‌ی چه‌و کالی، خاون زنج چالی

هه‌لپه‌رکه‌گه‌ی دڵ من، بوودن حالی وه‌ حالی

قه‌ندیل شه‌و به‌سامه‌، له‌ دهر مالد و سامه‌

تو یار بالابه‌رزی، ده‌خیل وه‌ پێد به‌سامه‌

ههناى وه نازهو خهنى، دلم له جاي خوهدى كهنى
گيانم چى وه تالاند، قهلبم چق له ليم سهنى

ههر شهو ئهراى تو خوهنم، گورانى له دل زهنم
وينهى ئايهم له بهههيشت، خهتا كردم وه گهنم

نه توورى

ت گيان منى

سووز دل و سوخان منى

په ژارهى ههر شهوم

مانگ منى

نه توورى

يار شهش دانگ منى

خودا بكهئى نه توورى، ئى مانگ ئاسمانه

بچووده ژیر ئه وره و ناگر گری زه مانه

هه له هه ناز گیانم، چادر سیه به سایه
خوهر وه ت ئه پرای شه هاویگ، نازار که شکه شانه

بۆشن وه مانگ دوواره، نۆری ئه پرام قه راره
به شی له و نۆر چه ود، نه زر دوواره دانه

ناگر وه کوول مانگم، هه نای نییه له دیدم
قاره و مه که له لیمان، زانم دل ت سانه

هه قرات نۆر مانگه، له ی ئاسمان سه وزه
بایدن شه وه یل سه ردم، دی نیه گری به هانه

خودا بکه ئی نه تووری، ئی مانگ ئاسمانه
دوواره بووده هاوسای ئه و نازار جوانه



هه‌ناره‌کان

باخ

تونی و جاخ

هه‌ناره‌کان

دیاری بۆ

له‌یه‌ی نه‌ینی زۆنه و سه‌ربه‌سیای

هه‌ناره‌کان واریاد

ئه‌وسا که تو ته‌و کردۆد له‌ واران ده‌نگه‌گانی...

ئه‌سله‌ن تو

چه‌ پێوه‌ندیگ وه‌گه‌رد ماله‌ چووله‌گه‌ی باوگم دێری

که‌ هه‌نای تیه‌ید

خوهر سه‌یرد

له‌ بان خانگ هه‌لایدن

هه‌ناره‌کان هه‌ساره‌مان



و من هۆچ وهخت دهسم وه هه نار نییه په سید

تا خه و شرینتریگ

مه سدم

له شه که تی

شه وه کیان پږته لئ

گوم بومه

وه یه یه وه

کزه ی هه ناس سه ردیگ

هه لوه شانم

دی چه وه پږی خوه رئاوا نیم

داره گان خه یالم

به رڼه نیرن

شه وه کیانم

تیه له...

زوخه...

زامە...

ژانە...

يە كزەي ھەناس

ئافرەتتېگ برا مردىيە

ك ھەرچى خوە شپە لە ھۆرە و بردىيە

من ھيمان

دەسەيلم نەگرمەسە خەنيە

پرووژگار زاوای گەتتېگە

من وھۆ پرووژگارم

ناوزگ وھۆ داپزياس

بەلام

پرووژگار ھا ھۆر

سوورى ليو و پەنجەيلئى



خۆن له ناو چهوئێ گریه به سا

ههر وه سات ئۆشێ وهق بارن

به لام

وهق ها له ئازیه تی دل ئازیه تبارئ

ئه پرای ئی گیان پر له ژامه

ئه پرای ئی زهخم ناو سوقامه

ئه پرای ئی ئاه سهردمه

بنووړ چق بهردا بهردمه

بیلا دوواره بۆمه د

ئاو زولال زهم زهمی

واران ئهور نم نمی

هه چچی ک بۆمه د کهمی





بیلا دوواره بڼمه د

بالا بهرز قسیه خو شم
 مه چو خه م بوودنه به شم
 ئەی ناو نه مام مه هوشم

بیلا دوواره بڼمه د

ت بالا بهرزی چه و مه سی
 هه ناسه گم گشت که سی
 وه زولفد گیانم هه لوه سی

بیلا دوواره بڼمه د

قه سه م وه هوور بان سهر

وهختی نه یرم له ت خه وهر

جۆر په پوو م

دهر وه دهر

بیلا دوواره بۆمه د

ت وه فرگه ی بان شاهووی

هه چۆ که ل د لاهووی

چه ود خومار و ئاهووی

بیلا دوواره بۆمه د

هاز سو خانم ها وه پید

ممشه و بمین لیره نچید

تاکه ی بلرزم جوور بید



سەر بهی سهرم دی ژان نیه کئی

مانگ رۆ وه رهو بان نیه کئی

بیلا دوواره بۆمه د

دۆهت کورد

دۆهت که لهو پ

دۆهت بئ برا

دۆهت بئ کهس

دۆهت... ژان

دۆهت... هه ناس،

دۆهت... کور په

دۆهت... بئ گونا

ئیل سهر بهرز که لهو پ





یانی م...م

یانی ت...

یانی براو خوهیشکه یلیمان

ئیلّ که لهورم، ئیلّ بی وینه

پایتهخت ت ها ناو سینه

نهقلّ کهر هه ئیترنگه هاته ناو دهق، متن، وهت

شاعیر کلاسیک ئی فرا شیعره

دۆهشهو ئه و قهره دۆری یار ئه پای سهخت و به ئازار بییه ک له ناوین سات

دوانزه تا دوانزو یه ی سانیه

سی جار کوتپر داسه لی

و ئه و دۆای وهزنهیل و بوونهی ریژ گردن

کوتپر شاعیر گهورای خوهی

وهزن خوهی وه گورد کوتپر پیشکهش کهن قابل سه رهنج پرخنه گرهل به ریژ

تکایه وه کوتپر شاعیر ریژ بگرن

نه‌قل کهر یه‌ی جار وه‌ ئه‌و دیم کۆه هه‌لات و خوه‌ی چۆ شه‌هاب سه‌نگ خسه
ناوراس ده‌ق، متن،

بوه‌ خشی ئیوه‌؟

ماوه‌ش سولیمانپوور

سوزان

ناود نیه‌پرسم

ئیه‌وه‌؟

شاعیر که‌له‌ورم

که‌له‌ور یانی چه‌؟

ئیل منه

مه‌لوه‌ن ریشه‌ی منه

بوو ئه‌ویندارانه‌یلد ئه‌رای مه‌لوه‌ن ریشه‌د وه‌ دهر گوشم بچری

ئاخر ئۆشن که‌له‌ور دشمنه‌ن فره‌ دیری

مه‌حه‌وسله‌ی دشمنه‌ن نه‌یرم

به‌لێ ئه‌فین دشمنه‌ن فره‌ دیری





كە لھوپ ئىلەگەى له مېژوو ديار
غەپىرت ھا خۇن چ دەپىشت و چ شار

مەرام و مەردى ھا خۇن كە لھوپ
غەپىرت ھا دل هم دۆت و هم كوپ

ناو مەردى ك بەن دەن نۆن كە لھوپ
بەش شووجاعت ھا خۇن كە لھوپ

دل تىدن وه جووش له ناو كە لھوپ
سەر بەرز وسايە پەراو كە لھوپ

خۇن پروسەم ھا له گيان كە لھوپ
خوہزيو وه ناو و نیشان كە لھوپ

كە لھوپ ئىلمە، له كە لھوپ ئۆشم

له برای شیر وینهی دور توشم

که لهور نیشتمان دلیر مەردانی

ئیل خواهش ناو غەرب ئیرانی

ناو خاصی ت که فتیه له ولات

دیار که لهور وینهی «مانگ هه لات»

بوو خواهش چۆزهی چهویر ها شاندهو

چۆ نیه زانی گیانم ها قه ی گیاندهو

تام نان ساجی و ههم رۆن دان

ها وه قه ی مه شکه و دوو وکوله ناندهو

چهود پاییز و زمسانه ئه پرای م



هه ناسد خوهی لوائی گیانه ئه پرای م

وه پیم ئۆشی هه چچی دیرم بووده نه زرد

خودا هاوار دلد سانه ئه پرای م

[ئه ی دالگه هایدن له کوو]

ئه ی دالگه هایدن له کوو، سروه ی له سوقانم نه مه ن

ئمشه وه ناسم قت بۆه، هازیی دی له گیانم نه مه ن

دونیا فره کافر بیه، بی تو جه هان ئاخر بیه

له و رووژه ک بار کردیده، دی دین و ئیمانم نه مه ن

ناود بهم و فیرد کهم و په لپد گرم تاگول سوو

جز ناو نازار ت دی، ناوئی له دیوانم نه مه ن

چۆ بیستۆن چه میامه دی، ریژاو وه حالم گیره که ئی

له زام دۆری دالگه، باری وه بان شانم نهمه ن

سزیامه دی من له خوسه، باوان م لیره چیه

له وختیگه وت چیدنه دی کهس له میلکانم نهمه ن

ئاواره بومه دالگه، بیچاره بومه دالگه

ت چید و مالم چوولّه دی کهس له باوانم نهمه ن

پرزه ی بالای خوه د...

ته ق ته ق که وشد...

شه مالم...

شه ن...

واران...

گیان...

شمشال...

چۆ په‌په‌ی پۆنگه، هه‌قۆراتد خوه‌شه

بآل بژانگد وینه‌ی مه‌هوه‌شه

مُشه و...

نوور...

لاره...

گا‌پاره...

مُشه و توای نوورپۆ بکه‌م، هه‌ر که‌س وه‌ پیده‌و لاره‌ که‌ئۆ

قه‌ل‌بم وه‌خه‌و مُشه‌و په‌پۆ دپۆرۆ مینه‌ی گا‌پاره‌ که‌ئۆ

چۆ تکی ئاو چیده‌ زه‌قۆ له‌ ئاسمان شووند نییه

پۆ کاوه‌ دی سافه‌و بییه‌ فیرد له‌ ناو هه‌ساره‌ که‌ئۆ

چیت...



شاهو...

پای دالاهوو...

تهرمم بوهسن له چیت شاهوو

قهورم بنهین له پای دالاهوو

دهواری هه لّدهن، چیتّی له لای بوو

تا گهر له یله گهم ههر بایّدو بچوو

چیت بوده تهرمم، چیت بوده بهرگم

په سم ئه شایر گۆل که ئی له مهرگم

چیت و دهواری بنه لای قهورم

وه چیت هه لّوه سن مه زار و دهورم

چیت وینهی فهرشّی بوده خه لاتم

چیت له بهین نچوود په سم ولاتم

خوه زیمه و هه رکه تیدن وه مالد

بووده کشکچی گوونه گه ی چالد

خوه زیه و وه هه رکه س نیش له سایه د

شه که تی ده رکه ن چه وه یل کالد

خان، دروو

خانزایه، دروو

خاون مال، دروو

دروو...

دروو...

پشت ئیل شکان...

خانزايه له خوهي نوڤسا...

ت...

خان زايه ي...

ت خان زايه ي شه ويل بي چـراخي

ت خان زايه ي وچاخي ههر وچاخي

ت خان زايه ي، چو نازاره چه ويلد

دلّم تووري ئه پراي نازهيل له يلد

ت وه په نجهيل شمـشاله و بنيشي

ده سد وه بان ئه و خاله و بکيشي

ت باوان شه ويـل دهر وه چه يلي

ت مانگ که لـه پوري نازار له يلي

پهري زايه دلم كه فتيه له دامد

خودا هاوار چه ني سه نگينه سامد

هيـمان هور چه ويلد ها وه لامه و

ت باو خو لکم بکه زوتر م بامه و

ت هورد خه و قه رار دهر وه چه يله

دلم بي ت هزاران سـالـه وه يله

سيه مال خاسه

وه شهرتي يار بوود

گوو شه ي چه وه گه ي

له ليـد ديار بوود

سيه مال خاسه

مشکه و رڼـونـ دان

سپه مال خاسه

چو جار جاران

ده نگد هاتو له دږه و زو خوسه م چي

تهو ژان له دلّو له ناو جه سه م چي

وه تم دي ناود هه ر نارم وه مه ولا

به تالمه و بو له هورم دي قه سه م چي

وه بي تو دي له نه ي شاره نيه نيشم

له نه ي شار خوسه باره نيه نيشم



وه بٚ تو دی شهو پروژم حه رامه

م دی لهی سوک دیواره نیه نیشم

دوניה زندانه...

ئه پرای من...

ئه پرای تو...

ئه پرای به شهر...

ئه پرای هه چپی ختیال گیره

دوניה... زندان

چه و... زندان

گیان... زندان

[چه وهیل که ژال]

يهی پروژ بان گرن له وهر ٺهو چه وهيل كه ژاله
 تيهن وه پيري من و نوورن وهو زنج چاله

دهر كهن شه كه تي ٺرميس، له تيڙي ٺهو بزانگه
 زانن دواره شه وي له چاه كه فن له چاله

مانگ نيشتيه له بان ٺهور ٺاوس هورد
 تيه ښدهو وه شوون ميلكان، ٺهو چه وهيل زولاله

م خوهم نه زانسم دي، بوومه ديل هورد
 ههر يه زانم كه مانگم، نازار گه ورا ماله

تو گول گول وه دهم مال مني
 ت پهری خه يوا بق حال مني

يهی دهفه تووری له لیم، وا بهيدنه د



لیموو قهسری و شهۆ و آل منی

هوونکی و گهرمای دلم ها وهرقهود
چۆ په له وهری له قه فهس، بآل منی

ئه ی گۆل نه سرین من چۆ گۆلونهی
ئاوه گه ی ئه لوهن و چه و کال منی

عه تر نان ههر بوو هه قورات خوه ده
دهروه چ روژیل ههر سال منی

تو گۆل گۆل وه دم مال منی
تو په ری خه یوا بو حال منی

هازی نه مه ن

زوانم سزیا



وههار چهقین گولهیل باخه

دلهیل عاشق پر ئاخ و داخه

وههار میوان چۆزه‌ی چهوه

چهوهیل رهنگین پر له خهوه

وههار مزینانی زولف کالده

عه‌تره‌گه‌ی شاهوو، شه‌و‌والده

وههار ته‌مه‌نگای زنج چالده

واران ره‌وه‌نی دهر مألده

وههار ده‌زۆنک ده‌س شمشالده

که‌لانتهر ژنی، له‌و‌گه‌ورا مألده

وههار سه‌وزی چه‌و‌سه‌وزده

گول پر له عهتر تازه په وزده

وههار هه تونی ترنگه ی ناو هیلی

فریشته ی ته نیای ناو سووه یلی

وههار ئه ر بایدن نیه که ید دلته نگی

وهختی تو تیه ید و به سی گولوه نی

له هه ناز چه ود ده وار ی هه ل ده ی

وههار شه که تی شه وار وه لا به ی

وههار بوو خواهش خه یال تونه

مزیانی نازار هه وال تونه

وههار ک تی دن چه زده ده ی گیانم

هقورد خواه رئاوا ته ک ده یده شانم



وههار په وټه نى خه يال تونه

مانتشت و شاهوو هه م مال تونه

وههار ك بايډن هه وړاند تبه رى

خه م چوود و هه رگز نيه گرى سه مېرى

په راو له خوېشى وسيد وه پاوا

وههار خه م دل ده يدن وه ناوا

سه ركه ش دواړه په خشان كه ئى ناود

نلاهي خوېشى كه يدن چه پاود

وههار، ته مه نگاي زنج چالده

رېوار هه ر شه و ده ر مالده



وههار گولوه‌نی، سوخمه پووشده

په‌نجه‌یل شمشال پر له جووشده

وههار هه‌قورات مانگ وه‌لا تیه‌ری

چادری له نور که‌یدن له وه‌ری

باوانم تونی

گهرمی داوانم تونی

نه باوان دیرم

نه یار گیانی

یار، تونی

وههار، تونی

نه باوان دیرم، نه یار گیانی

خودا خوه‌د سووز سووزان هه زانی



له بهخت سيبه فره دلگيرم

له ناو ئي دنيا ولا ئه سيرم

ممشه و ئه ي خودا فره هوولمه

خهرواري له خه م ها له ي كوولمه

تهرمم بنه لاي كوّه ي دالاهوو

تاگهر دهرد و خه م له گيانم لاجوو

ئه گهر من مردم كه س نه كه ئي شينم

كه س دى نه كه ئي داواى خوئم

نه دالگم هه س نازم بكيشي

نه كه س له پاى پازم بنيشن

خودا سه د هاوار سوقانم سزيا



بۆشه دالگم ماوش دلگيره

زندانی خه م لهی دونیا سیره

ئه شکهفت

دهروچه

دلّم

یانی نیه زانی

دلّم پر له زوخه

به ره فتاو

ئاو

چه و پر له خه و

کریوهی سهرد پاییز و ت چیده

ت گیس ئه زره تهیل من بریده



نامه‌ی‌مه، نه‌هاته‌مه

وه‌گه‌رد خه‌م

ته‌ی ته‌ی‌مه

جام چه‌ود خه‌لاه‌مه

زانم ک دی ناوم نیه‌وه‌ی

ئه‌پرای هه‌میشه‌ چینه‌

وه‌لێ له‌ رۆ نیه‌چوودن ئی دله‌

تو دینه‌ تو دینه‌

خوسه‌...

خه‌م...

په‌ژاره‌...

هۆر...

دۆر...

خوسه‌ سۆنم ب‌ری

وه‌شکیاسه‌ پیمه‌و



من لهی لافاو دونیا

هۆچ چشتی نهمه و

من هۆچ نیهوشم

خودا دهردهیل به شه و که ید

هه جوور جاران

هۆرئ هه م ها وه یمه و

بوارانم، دلم چالو دهرده

له سه رکهش تا سه ره یوان ئاه سهرده

وه نم نم به و وه ره و مالم، مه چوو ره و

بنوور وه لنگ دلم وشکه، هه زهرده

چهن له دورید هه ر شه و بنالم

چهنن په لپ ت بگرم، وانگ هه لالم



من خوهم زانم شهوارم بئ تو شوومه
چهود وا کهید و ئاگر خهیده مالم

خوهر ئاوا،

پووژ ئاوا...

مانگ هه لات...

پووژ هه لات...

به لام...

هه نای خوهر ئاوا بوو

که فمه و هور وه ختی ک چید

هه نای خوهر ئاوا بوو

دلّم جوور یه که مووته ری

له سینهم، فره فرییه

چیین خوهر خهیده مه هور هه رچی هجرانه

هه رچی بئ وه فاییه

هه‌چن دلتەنگیه

هه‌نای خوهر ئاوا بوو

چه‌وم واران واران واری

زانم دی له به‌رزی خه‌یالدا نیم

که‌م که‌م

ئه‌ور تیه‌ریک ته‌نیایی تیه‌یده لام

هه‌نای خوهر ئاوا بوو

خه‌یال تو له لیم دیاره و خودا

هه‌نای خوهر ئاوا بوو

ته‌مام می‌هرد ئاوا بوود و من

ئرمیس ئرمیس نوورم

قولە قولە‌ی دل‌مه و ژانی ک

له هۆچکه‌سه‌و دیار نییه

[ئی یار کرماشانییه]

بوو می‌خه‌ک ها وه‌رقه‌وی



هه قرات مانگ ها له شهوئ

ئيلن هاتيه وه ته له وئ

نازار خواهش زواننگه

(ئى يار کرمانيه)

چه وئ غه زال و ناهووه

چو وه فره گه دالاهووه

سه وزه و بهر زاي شاهووه

ئيه خانزايه گيه لانیه

(ئى يار کرمانيه)

بال بزانگن قاتله

پروژه و نه مازم باتله

شکيا ده سم وه ناتله

خه له دل پهرانيه

(ئى يار کرمانيه)

هيمان له هور بوو خو هشي

بالاي بليني مه هو هشي

غوروور قاف سه ركه شي

پر له شوور و جوانيه

(تي يار كرماشانيه)

هه ناي ك رهد بوودن له لام

چماي ك پاوهن خهيده پام

مرم هه تيره بووده جام

نوشن ك خاتري توام

خودا بنوور كه فتمه دام

گيانم، په شيو دورد و زام

جو مانگ له ناسمان نه لام

ماچي له ليووي دهيدن تام

بنوور زهنگم زرانتيه



(ئی یار کرماشانییه)

په‌نجه‌ی شمشاله‌ وه‌ خودا

نازار ماله‌ وه‌ خودا

پوووسم زاله‌ وه‌ خودا

مه‌رامی چۆ خه‌وانییه

(ئی یار کرماشانییه)

چۆ چایه‌گه‌ی گوڵ وه‌ ده‌مه

هه‌رچێ له‌ ئێ بۆشم که‌مه

خاسی گشتێ له‌ ئێ جه‌مه

مه‌وشن وه‌ پێم په‌وانییه

(ئی یارکرماشانییه)

تاگه‌ر مرم نیشم له‌ پای

رێوارێگم نیشم له‌ سای



ئەر نەۋمەي چەوم دراي

پەنجەيل مانگ كچانيه

(ئى يار كرماشانيه)

ئاگر... واري

ئاگر... واران

ئاگر... ئاگر

گيان

وينه ئاگر ك پر له ئاو و تاوه

دلّم له هجر ئه و ياره كه واوه

چەنيگە چيدە لە هۆر چەوەيلن

لە يادم بردئيه ئه و نا حساوه



هه‌نای گوم بوود و دی نیه‌تیه‌ئێ وه ویرم

په‌ریشان بوودن ئێ فکر خراوه

گولان هات و دلّم، گولّی نه‌مه‌نییه

دووا وه گیان خاسه‌یل هه‌ر سوواوه

دووا کهم تا ئه‌به‌د دی مپه‌ره‌بان نه‌وم

خوه‌شی دی له دلّم، نیه‌وسئێ وه پاوه

[له لئ نه‌ۆ]

چه‌و مه‌س، په‌نگین، له لئ نه‌ۆ

نازاره‌گه‌م وه توو شه‌ۆ

هاته شوونم وه ئه‌سپه‌و

کوڤر خان تا بوومه‌ وه‌ۆ

چېرى ئەو پېم، گلارە

بەو دى، پېد بارەو زەق

ناود بەرز و بلىپنە

قۆلە ناسەو قۆلەى قەق

چەو مەس، پەنگین، لە لى نەق

نازارەگەم، وە توو شەق

بى ت قەرارم نىھەگرى

مەقشەن وە پېم يە دى چەق

خانزايە و نازار مالى

ھېمان وە من ئۆشى ئەق



نازار

چه‌وه‌یلد...

ئامان له چه‌وه‌یلد...

له ژیر پای چه‌وه‌یلد داکاسیامه نازار

بچیدو دی بتووری کارم ته‌مامه نازار

برشن وه رۆ زوانم له و چک‌چک زولاله

بئ تو هه‌ناس ئه‌پرای م لیره هه‌رامه نازار

تو دار به‌رز باخی، له وینه‌ی سه‌د و جاخی

نیه‌چم وه خاک کۆچه‌د هه‌ ئیره جامه نازار

مه‌سی چه‌وه‌یلد ئمشه‌و، م کردیه‌ خو‌ه له کوو

هه‌ر ئه‌ی چه‌و خوماره‌ پاوه‌ن وه پامه نازار

من ک هیمان تیه نیمه، لیو ت لیره دیمه
ههر عاشقی ک دیمه ئۆشی هه تامه نازار

وه ختی

شنه فتم تنیش

که فتی

له خولپه‌ی خهم و په‌زاره

جه‌رگم سزیا

من له سه‌ردی واهی‌لان

وه هه‌لقه‌چان واران

تیه‌مه‌و

دی خودای که‌و

واز بار له لیتم

له‌ی

رووژه‌یله



م هه ر خه و دۆنم و خاپۆرهیم

و تو

له لای

کۆه ی بیستۆنا

له جی فه رهاد

هه لقرچیان

دۆم دوواره

ده سپچک گری

واران له ئاسمانا

چری

تو باو شد دۆرانیده و

له من مهیل هه لگه ردانیده و

من چۆ

گت بییه م

وه ختی

نه پریایه دۆد

چه وه يلد

ناسنامه ي گوم بۆ داخ منه

حساو تو له هه چي زامه جياس

گوراني بچر...

هووره بچر

دي مه كه باس

نيه زانم يه

ده نگ و لات

كورد ه وارييه

ك سووز ده نگي شه فاس

زه ق له رزي

زه ق، گيرس



زهۆ، گاپاره بۆ

زهۆ له رزه هات

تا بۆشی

دونیا بئ وه فاس

[روومه لڤه زان]

روومه لڤه زانی، وه ر نا له ی شاره

چۆ ته ریه ی ئه ره و سوو تا ئیواره

هه ر مائی پرمیاس، گیان بۆه قه لار

زهۆ له رزه خو هشی نه یشتیه له شار

هایمه گه رمه شین هه رچئ نازاره

ئرمیس خۆن وارئ، زه هاو خه مباره

دل نئیہ دونیا تا به تالاده و نیه ود
ئاواره و بئ کهس له ناو میلکان نیه ود

له ناو ئی دونیا گه نی هه ر نه که ن
ئاخری مری قهور خوه د نه که ن

[کوته ل کوو!]

کوته ل کوو بکه ن، برا روو بکه ن
شین و واوه یلی تاگر سوو بکه ن

هاوار ئه ی خودا داخم گرانه
له جهور فه له ک خودا هوو بکه ن

له کوچ برای کوردم خه م بارم
باس ده رده یل له وای لوو بکه ن

«چه توشید»

«مارفید بکه م؟»



سهوزه...

سهوزهی سهوز له وه، قسیه وه ناز کهر

هاته ناو خهوم خهم له دل واز کهر

سهوزه کوشتییه سهم و بالای نازی

بوو هه قرات لیموو ها یه قهه ی وازی

وه پرچ زولفی گیانم تال تال کهئی

له وادهی دیدار هه ر ووژ به تال کهئی

سهوزهی بالابهرز هه قرات شهو بوو دهئی

بوو پونگه و ره یحان له تاف جوو دهئی

سهوزه هه ناسی بوو خوهش جاران

«بوو

بوو بتوایده م»

«باوگد

باوگد

باوگد

نه...»

نیه زانم، فره که م بو تاقه تم...

دهس کیشیده مل چه وهیلێ

و مۆهیلێ

رچه ته مام گیانی، منیده ماس مییه

بئ بهش کردیه ولات له ئه و چه وهیل سیه



وه تم ئه و جوور که قهولّ دایده سه مه شی رامهت ئه لانیش ئه گهر بوودن وه
نه و که ری خوه د قه بوولی بکه یدن...»

«چه بۆشم تاتی. مه رزیه دهرس دیرئی دانشگاه، هه رکه تره ک بتوایدن جوواد
دهیده پئ...»

سه ر که فته

چه و ئرمیس

ئاسمان سیه

کور له فکر

دۆهت له فکر

بان مال بیده نگ

خوه زیمه و هه رکه تیدن وه مالد

بووده کشکچی گوونه گه ی چالد

خوه زیه و وه هه رکه س نیشی له سایه د

شہ کھتی دہرکھن چہ وہیل کالڊ

هه نای بڑانگم پهری

ٹوشم خووه...

نازاره گم

کول که سه گم:

ت خان زایه ئی شه ویل بی چراحی

ت خان زایه ئی و جاحی ههر و جاحی

ت خان زایه ئی، چو نازاره چہ وہیل

دلّم تووری نه گهر خاس نه که ئی سه یل

ت وا په نجهیل شم شاله و بنیشی

ده سد وه بان نه و خالّه و بکیشی

ت باوان شه‌وه‌یل د‌روه‌چه‌یلی
ت مانگ که ل‌ه‌وری نازار له‌یلی

پ‌ری زایه دلم که ف‌تیه له دامد
خودا هاوار چ‌ن‌ن سه‌نگینه سامد

ه‌یمان ه‌ور چه‌وه‌یلد ها وه لامه‌و
ت باو خو لکم بکه ز‌وتر م بامه‌و

ت ه‌ورد خه‌و ق‌رار د‌روه‌چه‌یله
دلم ب‌ن ت هزاران س‌اله وه‌یله

ده‌قه‌گه، مه‌تنه‌گه، ه‌ر جار توای ش‌روو بکه‌ی

ها ناو په‌ژاره‌ی تو

نه په که دیکتاتورینگ

له ناو دهق بوڊ

نه...

دس خواهی نییه...

دغه دغه

شه خسه یلیگ

و ناو دهقه گه و پهد بوون

ههرکه توهنی

پهد بوود

دهق ئیمه نه مهرز دیرید

نه بم گوزاریه

نه سیم وه گهرد خاره و به سایمه

هه نای مانگ دؤنی وه ئاسمانه و

شه که تی شه وار نه یده سهر شانه و

هه نای له سووز و کزه ی دل خوهنی



مهشکهی خییالده وه بی م° ژهنی

یه بزانه یه کئی ههه ها له هۆرد

ههه ها له هۆر بالاگهی دۆرد

□

مانگ له تک کۆه

مانگ له ناو دۆد و ناگر

ههناي داعش

ههناي ئهردووگان

ههلاي لهچگ کوردسان کهن،

ئهلاي...

مانگ ئهلاي و دۆهتهیلمان

له باوهش تفهنگ، چهک، خهفن

دۆهتهیلمان

ئهپرای خاک خوهمان مرن

کوپهیلمان ناموس دپرن

سەريان لە

ھەلآل و ھەرەم بوو...

مانگ لە ناو تېۋۆل كۆرەتەيلمان

مانگ لە ناو گيس دۆھتەيلمان

عاشقانه خەفى...

مانگ لە ناو كوردسان

خەفى...

لە كۆبانى دەنگ شين و فەقان تىهئ

دەنگ نامەردىھەيل ئەردووقان تىهئ

لە كۆبانى دۆھتەيل خۆن دەن ئەپراي كورد

شەر كەن تا وەختى بۆشن ئەردووقان مرد

لە كۆبانى دۆھت و كۆر گشتى شيرن

چەمان سەد گيان ئەپراي ئى خاكە ديرن



له کوبانی زه‌له‌ی گاپاره خۆنه

ده‌نگ حجله‌ی ئه‌روس ته‌رف تۆنه

ئه‌پرای کوبانی و ئی زام و ژاره

دل کورده‌یل له دونیا گیشته قه‌لاره

دۆته کوبانی گشتی هانه سه‌نگه‌ر

ئه‌پرای ئی خاکه‌ ده‌ن گیان و مل و سه‌ر

له کوبانی ده‌س په‌تی تفه‌نگه

بنیشی بی فه‌داکاری هه‌ نه‌نگه

له روژئاوا دۆه‌ته‌یل سه‌رباز په‌زمن

دلاوه‌رو شوجاع و دۆر له به‌زمن

هووفه مانگ نو

ئاگر کوشیای

گیسهیل بریای

نازیه تی هاوسایل

قهور و قهورسان

مردن عاشقی

ههم هوئن ههم گف گفن

دقوولوهن، هاو لهفن

د لنگیان جوور یه که

له ناو منالهیل ته که

بییان ئوشن دقوولو

مننه سیف و هلو



ده نگ...

سوز...

خوه نین...

له شار دالگیم

هه ر ده نگی دیاره

[ئه‌پرای گورانی چر گهورای کورد مه‌زه‌هر خالقی...]

تو مه‌زه‌هر به‌هیشت پر خه‌یالی

تو پر له خوه‌زیه‌و، په‌نگین و کالی

ده‌نگ ناگر وه شت شیئت دلم کرد

تو تا پروژ قیامت، بن‌زه‌والی



چیو ده نگ و سوز کاک حسین مشکینی

چیو ده نگ دل

ده نگ کورده واری

ده نگ دیاری

سوز ده نگ حاجی حوسین

گشتی په‌ریشان کردیه، سوز ده‌نگ حاجی حوسه‌ین

له‌ی شاره توفان کردیه سوز ده‌نگ حاجی حوسه‌ین

ئه‌رای ئه‌زا و هه‌م ده‌ردی و ئه‌پای خه‌م ئی مه‌رده

دوشمه‌ن هه‌راسان کردیه سوز ده‌نگ حاجی حوسه‌ین

له‌ ناو ئه‌زا خه‌م خوارده، سوز ده‌نگی نیشیده گیان



که لهوږ و سامان کړدیه سووز دهنگ حاجی حوسهین

سووزی کزه‌ی ژان و خه‌مه، نارام که‌یدن حالدان

سه‌ر به‌رزگیه‌لان کړدیه، سووز دهنگ حاجی حوسهین

له مردن و له ناخوهِ‌شی هه‌ر چی نه‌زای تقویم مه

ئی شاره‌ واران کړدیه سووز دهنگ حاجی حوسهین

له مردن و له ناخوهِ‌شی هه‌ر چی نه‌زای نه‌ی مردمه

که لهوږ وه نیشان کړدیه، سووز دهنگ حاجی حوسهین

له سای دهنگد نیشم شه‌وی تا بایده گووشم سووز تو

تهم ته مه لؤلان کردیه سووز ده نگ حاجی حوسهین

ده نگ...

ده نگ...

گورانی...

کاک علی خزلی

گورانی ده نگ دله...

ده نگ خیال...

ده نگ... سه ربرزی کلهور

پوملّ خه زانه، ئی ده نگه

هه ر چی دله لیره ته نگه

ره نگ سداى قومری ره نگه

ده ردی له باوان که فتیّه

تا که ئی بسوزی له ی ده‌نگه
 دل دامه‌سه جه‌ورو جه‌نگه
 نیه له ئی شاره له ی ره‌نگه
 بنور چۆ مانگ داکه‌فتیه
 له و ئاسمان به‌ختیه

تیه‌یده خیالیل بی خه‌وهر
 پروژم وشه وان چودن وه‌سه‌ر
 چه‌وی چیۆ واران بۆه ته‌ر
 بلبل وه سایه ی خه‌فتیه
 ده‌ردی وه باوان که‌فتیه

چۆ زلله‌ی ئه‌رگه ده‌نگی
 واران هه‌ر جه‌رگه ده‌نگی
 زانم ک دۆری سه‌ختیه
 ده‌ردی وه باوان که‌فتیه



دەنگد ھاتو لە دۆرەو زۆ خوسەم چى

تەو ژان لە دل و لە ناو جەسەم چى

وہتم دى ناود ھە ر نارم وہ مەولا

پەشىمان بۆم لە ھۆرم دى قەسەم چى

ھەناسەكەم

دلەم پەر سۆز لە يادى تۆيە

خەوم نىيە

زۆر پەشىوم

لە بەر دارەكانى خەيالت

مات و مەلوولم

سەفەرى تۆ



شه ونم ها له داوانئ

هۆرئ ها لای باوانئ

شیوهی له جنس ماسی

قولپ دهی دلئ له خاسی

مهریه م رووژنای ماله

بان لیووئ یه خاله

مهریه م وینهی په پراوه

ههر شه و حالئ خراوه

ده سن پره له خرخال

زنجئ خوه شه و که مئ چال

گیانم که فتنیه سه دهسّی

دهس چِه وهیل مه سّی

ته ناف داره زولْفی

وئنه ی وه هاره زولْفی

فره نازاره زولْفی

چمان شهواره زولْفی

ها له ی ژیر دهواره

زولْفی ره شه شهواره

مه شکه ژهنی خوه شئیّه

یه ی گوپ له دوو به شئیّه

مهریم وئنه ی وارانه



نازاره گه‌ی جارانه

مه‌ریه‌م چۆ گۆل دره‌وشی

نقره‌ها بان که‌وشی

چۆ رۆن دان هیزه

بوو هه‌قوراتی عه‌زیزه

مه‌ریه‌م له خه‌و مانگ دییه

رچه چۆ ماس مییه

چۆزه‌ی وه‌هاره مه‌ریه‌م

چ بئ‌قهاره مه‌ریه‌م

پا وه‌په‌تی

زولف وه‌لا

چه وهیل پر له قین

نامووزا...

گیان منی...

نامووزا تا کهی چه وئنتزاری

تا کهی بنیشم وه بیقه راری

نامووزا بهوره وه دردم دهوا که

دهر دل خوهده وه روم وا که

نامووزا تا کهی جهورد بکیشم

تا کهی له مودهده هه ر پروژ بنیشم

نامووزا مه چوو له لیم قین مه که

له پروژ مردن ئه پام شین مه که

خودا بستیٰ حەقم له دایه د
ئامووزای منی کی نیشته سایه د

ئامووزا ناود هەر باواوه
قه رارم نیه گری کە ی تاوامه

ئامووزا مردم بهو وه سه رینم
خوه د بوو وه دهرد و بکه تو شینم

یه تانه ی کیه ها بان شانم
ناوی ئامووزاس دهردی وه گیانم

پووپه که و دایه له بال گیانه گم
هۆر تو تانه ی وه بان شانگم



تا وه سوو خاسه و نیهود زام دلم
لهت لهته کۆزه ی خهوم باوانه گهم

گولونی وه سهه، چۆ دار بهیه
وینه ی بهههفتا، خودا یه خوهیه

هه ره شهو، میوان بوود له ناو خه یالم
هۆراتی تیدن له ئه و یهقهیه

[سهوزه]

سهوزه جارێ تر بهوه ناو خهوم
تا پاو پیلآگه د بنه مه ناو چهوم

سهوزه هاته دهه سهوزه ی خه رامان
دلم کهفته دام خودا سهه ئامان

داسهم وه تالان دهم چو گوڤ
م بووم وه نهزر خال لای مالد

ههر کهس سهوزه ها له ناو مالن
خودا خو هی گرتیه له ژیر بالن

سهوزه نازاره جوور دار ریژاو
دهمی گوڤباخی گوونای پر له ناو

سهوزه گیان خوده له مال بهوه دهیشت
شار خه یالم بکه وه بهه هیشت

ههر شهو له خه وه همامه پهید

مهسم له بوو زهرده بهید

واران له خه وه هور توونه

ئوشن ک گیانم ها قهید



□□□

شهوہ کی ہات و چہ ویلد مہسم کرد
لہ عشق خوہی دووارہ پابہ س—م کرد
سبالّ خہ پری م دامہ ئہ و چہ ویلہ
نہ زانستم ک دؤر لہ کؤل کہ سم کرد

ت ° فہ رہات خییالہ یل منیدن
و ناو شار دلم ہی کو کہ نیدن

فہ قہ ت پہ لپ چہ ود کیدن دل م
چمان قالہ مہرہ ہی نہ ی ژہ نیدن

باوگم وارازن...

دالگم خوہر...

باوگم تیہ نی...



دالگم گهنم...

باوگم دی نییه...

[باوگه]

دلّم توای شه واره، سهر بنه مه بان شاند
قه سه م بخوهم دواره، له ی شاره هی و گیاند

باوگه له لای م چیده ناگر و مالمان که فت
خوه زیه و سه ریگ بکیشی وه شوون خانماند

خوه زیه وه ناز دوه تیگ، باوان خه ریداریه
خوه زیام وه ئه شه واره خوه ش بیم و هووره گاند

یه ی شه و هساره گه که فت له ئاسمان ئمرد
خوه شال وه ئه و هساره ک ها له ئاسماند

پرووژى ھزار جاره، دلم ھهواد كه پدين
كه فم له هور خود و شيريني زواند

وارانييه چه وهيلم ههر شه و له دورى تو
واران بيوه چهويل يه ك يه ك نازاره گاند

له ت له ت

ته مام گيانم

خيال ته رفه تيون

خه م ها سوقانم

بيلا بمرم

وه تيون

ناود نيه زانم



چه ویلم تا سوو ها وه نه سره وه

چوئه لوهن خوئنه له ناو قه سره وه

ئرمیسم واری چو جو مولیان

دل نامه له خوهم له مال و له گیان

چه ود پاییز و زمسانه ئه پرای م

هه ناسد خوهی لوائی گیانه ئه پرای م

وه پییم ئوشی هه رچی دیرم بووده نه زرد

خودا هاوار دلد سانه ئه پرای م



[په ري]

له گشتي ياره گان سهري، له وڻنه ي باخ پر بهري
ت شمشالي ت گوهرِي، بهو درمانم بکه پري

واران واري له چه و مه سد، پرچين شهو بسا ده سد
ناوي بيوه گشتي که سد، ت مانگ چوارده پيکري
«بهو درمانم بکه پري»

وه هار ره و کرديه له گياند، چهنی شيرينه زواند
ده نگم دي نيشنه في په ري، ته لاي بي خه وشي و زهري
«بهو درمانم بکه پري»

ناگر و گيان دل ديري، له ئه ي دنيا وه زنجيري
جواني چي وه رو پيري، ايوشن له آسمان سه ري
«به و درمانم بکه پري»



ت وو زولف چین چینده، دی پا باره و لهی قینده
چهوم وه تمهی دینده، ئرای دوس دیده هر دهری
«به و درمانم بکه پری»

ههناى مانگ دۆنى وه ئاسمانه و
شهكهتى شهوار نهیده سهه شانهو

ههناى له سووز و كزهى دل خواهنى
مهشكهى خيیالده وه بى م° ژهنى

یه بزانه یهك ههه ها له هۆرد
ههه ها له هۆر بالاگهه دۆرد

بیدهنگ و بی زوانم

وه ییم وهتی، مهتوریه

من وه خپر چهوویلد

ههر ئه و قسیه ی شیرینه

لاوار بۆسه بانم

ههر شه و له زام دۆری

پۆترکه بق سقانم

وهتی ئه ی مانگ، هه ژانم

بومه خپر چهوویل ت

چه ویل ت هه خانم

[گلاره...]

تهرکم نه که ی گلاره سهرده هه رچئ شه واره

له ناو ئی شار چووله دلم هه بیقه راره

گۆل باخی خه یالم

نییه هه رگز له وینه د

خوه زیه و، یی پروژ بناتام

سه رم له بان سینهد

به و تا دوواره نه که م

شه و پروژم، و پینه د

[شعیریگ ئه پرا دۆه ته یل کوبانی]

ئه پرای دۆه ته یل کوبانی

ئه پرای زه خمه یل پنهانی

ئەپراي داخ دۆل كوردەيل

ئەپراي منال، قورباني

هەنای بارۆت دۆلتەنگی

كەفیدە مأل كوبانی

دۆلم دەلیای لە ئاگر بۆ

خودا خودەد بێتەك زانی

تو لەو سەنگەرە چمان داری

خەمەیل تیدن وە میوانی

تو دۆت بیستۆنیدن

وہ پید ئۆشم لە كوبانی

وینەي پەردیوهری لەورە

دۆلد سیروان تووفانی

ئەپراي چهوہیل پڕ ژاند



دلم ھه دهم وه مزگانی

تو وهو شیرین و شهودیزه

تو وهو دهردهیل پنهانی

منیش هامه په ژاره ی تو

تو ئه ی سهردار، کوبانی

[قوروان]

قوروان ئه و چه ویله

ئه و زولف و خال له یله

دلم له پروژ ئه زه ل

که فتییه له و چاه وه یله

قوروان ئه و شه مامه

ئه و نه و گول نه مامه

میهری پاهن وه پامه

هه‌نای ئه‌رام خه‌نیدن
قه‌ورم له لای که‌نیدن
هه‌ر خوه‌ی وه ته‌نیا تیدو
مه‌شکه‌ی دلم ژه‌نیدن

هه‌نای تیدن وه باوان
کونه پر که‌ید له ئاوان
پای نه‌م وه سه‌ر چاوان
نازار سه‌ر سه‌راوان

ئۆشم قه‌رار نه‌یرم
نه‌وشی بی‌خه‌یر و به‌یرم
لیوه‌ی چه‌ویل مانگم
سه‌نعان و شیخ ده‌یرم

له جی فهرهاد

هه لقرچی

دلم دواره

ده سیچگ گری

واران له ئاسمان

چری

ت° باوشد دۆرانیده و

له م° مه یل هه لگه ردانیده و

م° چۆ

کتی بییه م

وهختی ک°

نه پریایه دلد

پیر ... یانی چوه

وهختی دلد جوانه

چین کفتیسه گیان دەم چهوم
خودا تامازرو شش دانگ خهوم

زوانم کوله، چهوم بۆوه تار
زنیانی له لیم بۆوه ژار مار

پیری یه ی ژان فره خراوه
مالکین سازین وه رۆ ئاوه

پیری دهوران نا تهوانییه
وهرز زمسان ههر جوانییه

وهفر دالاهوو نیشته شامه و
خه م و خوسه گان ها له گیامه و

تا سوو خه و نیه که م له وه ر پا ژان

پیری هه‌نای تیبهد
ک دلد له دلداری و عشق
چوول بوود

[ده‌لیا]

هه‌نای گیزه‌ و
هۆر چه‌وه‌یلد
پشانه‌ ده‌لیا
مانگ له‌ ئاسمان
نیشتییه‌ ته‌نیا
ده‌نگی ره‌و کردو
وا برده‌ی هه‌وا
هه‌ساره‌ی خه‌مه‌یل
وسایه‌ وه‌ پا
هانای گیزه‌ و

بۆ تۆ

تۆ گوئی

بهلام

گوئی که

وهفای نه بوو

گوئی که

جهفای بوو هه ر بۆ دلم

تو ئه وینی منی

حه ز ناکه م که س

له دووای تو

پیم بلی

خۆشم ده ویت

دهنگی تو

ئه‌پرای ت خوو پڕ

له ئه‌زهره‌ت و خوه‌زیه‌وم

هۆرت له‌ پووژ ئه‌زه‌ل

خودا نایه‌ له‌ وه‌رقه‌وم

مه‌چوو نۆر چه‌وه‌یلم هه‌ر تو دێرم

له‌ ناو زندان ئی دنیا ئه‌سیرم

خوه‌زیه‌و وه‌ختی ک خوه‌م بۆشم پره‌سی

نه‌ خه‌رواری له‌ خاک بووده‌ حه‌ریرم

هه‌نای تیه‌ید

هه‌نای تیه‌ید...

هه‌نای تیه‌ید و له‌ دۆره‌و دۆمه‌د



هه‌رچن خه‌م و په‌ژاره‌س وا به‌ی‌ده‌ی
بوومه ده‌وریش کۆچه کۆچه‌ی دلد
بووم وه کشکچی چه‌ود

ئۆشم نه‌که‌ی
یه‌ی جارتر بچید و لاوه نه‌لکه‌ی
یه‌ی سۆک چه‌وی
وه ئی دلد پر له ته‌و و تاوه نه‌که‌ی

هه‌ له خه‌یا‌ل و خاترم
فکر ئیه‌گ نایده‌و فره‌س
ئى فکره‌ هه‌لچۆ چانییه‌سه‌م
دی بچید و بۆشى
دی نیه‌توامه‌د هه‌رچن که‌س



میلکان...

میلکان...

میلکان...

میلکان مه...

قه لب تۆ...

هه ناسد...

میلکان مه قه لب تۆنه، لهی شار ده لیا ی بِن بنه

ساحل وه ساحل هاتمه، ئی قه لبه میلکان منه

لهو پرووژه ک خوهم ناسیمه

شِعر و ئه وین من ت بۆد

ئى گیان پر له ژارمه، هه ر وه خودا هن تونه

یه‌ی زه‌مان گه‌رسم له‌ شوون پاد وه‌ بێ ده‌نگ

مُشه‌و توام تاوان هه‌رچی شه‌وه‌ درارم

تا که‌ی نه‌ین و دۆری سه‌زنامه‌ له‌ سه‌بووری

یه‌ی جار تر به‌جمیه‌ له‌ باخ پیر له‌ خارم

ئرمس ئێ چه‌ویله‌ سه‌د ئاسمان چه‌ریفه‌

وه‌ی نم‌ مه‌ قه‌سه‌م بوود دی نه‌گه‌رێ قه‌رارم

[ئه‌گه‌ر به‌چیدن]

هه‌په‌روو ئه‌گه‌ر به‌چیدن زانم مرم له‌ شووند

شه‌ۆ ته‌نیاپی ° ت ° هه‌ر شه‌و درم له‌ شووند

بیلا هه مۆشه بۆنم خوماری ° چه وه یلد
بچید و دی بتووری ئاگر گرم له شووند

بی ت ° تیه له ژیانم، هه نای نیه تیه ی وه مالم
ئه گهر بچی وه مه ولا مردن چرم له شووند

هه پروو بچی له ئیره واران وارێ له دیدهم
نیه و نیدنهم په شیوم هه چه و سرم له شووند؟

یاخی له وای مه جنوونم یه ی بیستۆن هه ژانم
کۆهی په راو و شاهوو گشتی برم له شووند

نازار، اگر بچیدن زانم مرم له شوند
وینه ی زهنگی دواره یه ی شه و زرم له شووند

شېعري وټمه له جنس چهود

له جنس چهو تامازوو خهود

نه گهر بايدنه و جوړ جوو موليان

که فمه رڼيا، تپه مه ته لود

[تمپو]

سداي زهره بان قه لب منه

ته کنه وازی که ید دهر د

په ريشانم

بخوه نهم

با تام شوور

م

شيرين بکه

له بون خوه د



خوهد به‌و به‌رس وه دادم له‌ی قه‌ورسان سه‌رده
له‌ی شاره هه‌رچی مه‌ی که‌م نیه له‌وای چه‌وه‌یلد

چه‌و گل ده‌م و ت نیه‌وێنم، له‌ی ماڵ پێ له‌ زۆخه
تا که‌ی خودا بکه‌م دی، هه‌ر شه‌و هه‌لائی چه‌وه‌یلد

گوپێ له‌ ئاو زه‌مزه‌م خسیده رۆ زوانم
ئه‌مشه‌و توام که‌ ده‌ریا بارم ئه‌پرای چه‌وه‌یلد

[هه‌وێر داڤگم]

هه‌یمان هه‌ هه‌وێر داڤگم ها بنچینه‌ی سقانه‌گه‌م
هه‌نای ک دۆنم نه‌یرمه‌ی ئاگر که‌فیده گیانه‌گه‌م

رۆ که‌م وه‌ره‌و ئه‌وره‌یل بان چێرم له‌ نوو هه‌ساره‌گان
تا وه‌ سه‌حه‌ر وێینه که‌م، به‌ن بۆه دی زوانه‌گه‌م

وه تم دقواى چين خوهر، دى مانگ قهرارى نيه گرى

قوله قولهى نر مىسمه، نهى مانگ ناسمانه گم



شعر:

- ۰۱۰۰۰۱ / طعم سرخ انار / علی اکبر رشیدی
- ۰۱۰۰۰۲ / گزیده‌ی غزل‌های سعدی شیرازی / به گزینش رضا شالبافان
- ۰۱۰۰۰۳ / اینجا نیروی جاذبه کمتر است / رُزا جمالی
- ۰۱۰۰۰۴ / از چه رنگی به تن؟ / ابوالفضل پاشا
- ۰۱۰۰۰۵ / هیچ سکه‌ای کَهفِ من نیست / آفاق شوهانی
- ۰۱۰۰۰۶ / بی چلچلگی / امیر دادویی
- ۰۱۰۰۰۷ / پنجمین روزِ سال ، ساعتِ بیست (چاپ سوم) / رضا شالبافان
- ۰۱۰۰۰۸ / ما حی / سمیه جلالی
- ۰۱۰۰۰۹ / خسته باشی دل تو مرگ بخواهد اما... / سیدجعفر عزیزی
- ۰۱۰۰۱۰ / مورچه درخت را از دانه بالا می برد / محبوبه رحیمی صفایی
- ۰۱۰۰۱۱ / برفی ترین آغوش / محمد جلیل مظفری
- ۰۱۰۰۱۲ / دلتنگ کسی هستم / جواد الماسی
- ۰۱۰۰۱۳ / من معاصرَم با فکرهایی که لهجه دارند / فخرالدین سعیدی
- ۰۱۰۰۱۴ / با هر دو دستم شعر می نویسم / سریا داوودی حموله
- ۰۱۰۰۱۵ / لول ملول / شهرام میرزایی

- ۰۱۰۰۱۶ / چهار پاره غزل / اکبر آزاد
- ۰۱۰۰۱۷ / مین ها همیشه سر به زیرند / جمال بیگ
- ۰۱۰۰۱۸ / تقدیری که پای جون نشست / زینب رازدشت
- ۰۱۰۰۱۹ / زیبایی دو رو / فیروزه محمدزاده
- ۰۱۰۰۲۰ / بی قیله / شهناز رجب زاده
- ۰۱۰۰۲۲ / باد تو را برد / حسین طهماسبی نیا
- ۰۱۰۰۲۳ / زیبایی تو کنار تنهایی من / سیدجعفر عزیزی
- ۰۱۰۰۲۴ / دیوانویسی های غیرمجاز / شهرام میرزایی
- ۰۱۰۰۲۵ / انقلاب سپید سردخانه ها / قاسم بغلانی
- ۰۱۰۰۲۶ / ریشه های سنگ / کسرا تبریزی
- ۰۱۰۰۲۷ / مانگک هه لات / مهوش سلیمان پور
- ۰۱۰۰۲۸ / اس خاموشی / محمد منصورفلاح
- ۰۱۰۰۲۹ / ماه با دمپایی ابری اش / نادر ختایی
- ۰۱۰۰۳۰ / از نفس بلوط هزارساله افتاده ام / آسیه حیدری شاهی سرایی

گروهی

- ۰۲۰۰۰۱ / واژه های سرخ ۱ / گردآوری امیرحسین نوروزی
- ۰۲۰۰۰۲ / غزل... سر خط / گردآوری ونوس رستمی
- ۰۲۰۰۰۳ / سپید... سر خط / گردآوری ونوس رستمی
- ۰۲۰۰۰۴ / ققنوس ۱ / گردآوری مینا آقازاده
- ۰۲۰۰۰۵ / ققنوس ۲ / گردآوری مینا آقازاده
- ۰۲۰۰۰۶ / واژه های سرخ ۲ / گردآوری جمال بیگ و امیرحسین نوروزی



ترجمه

۰۳۰۰۰۱ / چیزی میان کلمه ها ۱ / شعرهایی از شاعرانِ نوپردازِ ترکیه / ابوالفضل

پاشا

۰۳۰۰۰۲ / چیزی میان کلمه ها ۲ / شعرهایی از شاعرانِ نوپردازِ ترکیه / ابوالفضل

پاشا

۰۳۰۰۰۳ / لبه / گزینه ای از شعر امروز انگلیسی زبان / رُزا جمالی

۰۳۰۰۰۴ / عاشقانه های وطن / الکساندر ووازار / آسیه حیدری

۰۳۰۰۰۵ / اناری در گلویم ترکیده / آن پریه / آسیه حیدری

۰۳۰۰۰۶ / شعرهای ترسیده / اتیل عدنان و آنیس کولتزر / آسیه حیدری

۰۳۰۰۰۷ / شادتر از هفده سالگی پسری عاشق / پل ورن / آسیه حیدری

۰۳۰۰۰۸ / ریتسوس ، سونات مهتاب / یانیس ریتسوس / ترجمه زلما بهادر

۰۳۰۰۰۹ / خرمالویی بر شانه ی پاییز / ماسانو کا شیکی / فیروزه محمدزاده

۰۳۰۰۱۰ / سایه ی شکوفه های آلو / ناتسومه سوسه کی / فیروزه محمدزاده

داستان

۰۴۰۰۰۱ / مهتابی سوخته و داستانهای دیگر / میخوش ولی زاده

۰۴۰۰۰۲ / فقط بچه ها گریه نمیکنند و چند نمایشنامه ی دیگر / سارا اسماعیلی

۰۴۰۰۰۳ / بر بال های پرواز / غزل تاجبخش

۰۴۰۰۰۴ / چلچله ها بال زنان می رسند / غزل تاجبخش

۰۴۰۰۰۵ / پری چهره های مچاله / حبیب الله پیریاری